



مرکز تبلیغات
کومهله زحمتکشان کردستان

"اساسنامه" و "برنامه سياسي" گومله زحمتكشان كردستان

مصوبه كنگره دوازدهم گومله

(كنگره رفرم)

تيرماه 1387 - ژوئن 2008



فهرست

بخش 1) اساسنامه کومه‌له زحمتکشان کردستان

- فصل اول: نام و اهداف
- فصل دوم: اصول تشکیلاتی
- فصل سوم: ساختار تشکیلاتی کومه‌له
- فصل چهارم: کنگره
- فصل پنجم: کنفرانس
- فصل ششم: ارگان‌های رهبری مرکزی
- فصل هفتم: عضویت
- فصل هشتم: اقدامات انضباطی

بخش 2) برنامه سیاسی کومه‌له زحمتکشان کردستان

مبانی و محورهای اصلی خط و سیاست‌های کومه‌له
دیدگاه کومه‌له در قبال مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی

بخش 3) بیانیه پایانی کنگره دوازدهم



بخش (1)

اساسنامه

کومه له زحمتکشان کردستان

مصوب کنگره 12 کومه له

(کنگړه رفرم)

تیرماه 1387 . ژوئن 2008



فصل اول - نام و اهداف

بند یک: نام

نام کامل: کومه - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران بوده است که در میان مردم کردستان به "کومه:ه" یا "کومه زحمتکشان" معروف شده است. منبهد در نوشتار، اعلامیه ها و به طور رسمی نام "کومه زحمتکشان کردستان" مورد استفاده قرار میگیرد.

بند دو: اهداف

کومه حزب چپ و سوسیالیست مردم کردستان است. کومه نظام سرمایه داری را نظامی ناعادلانه دانسته و برای استقرار سیستمی مبتنی بر عدالت اجتماعی و رفاه عمومی مبارزه میکند.

کومه حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی کردستان را همانند سایر ملل جهان، حق مسلم و دمکراتیک ملت کورد میداند و برای حاکمیت این مردم بر سرزمین خود برنامه ریزی کرده و مبارزه مینماید.

ما قاطعانه از حقوق همه ملیتها برای زدودن ستم ملی در ایران، حمایت میکنیم و برای ایجاد امکان همزیستی برادرانه ملیتهای مختلف، در شرایط کنونی فدرالیسم را گزینه‌ای مناسب میدانیم.



ما اتحاد و مبارزه کارگران، زحمتکشان، زنان و سایر اقشار محروم در ایران را برای کسب مطالبات انسانی و دموکراتیک خود، برحق می‌دانیم، لذا پشتیبانی، تقویت و تحکیم مبارزه برای این خواستها را بخش مهمی از وظایف خود میدانیم.

فصل دوم - اصول تشکیلاتی

ماده دوم: اصل بنیادی سازمانی در کومه‌له، دموکراسی و مشارکت دادن همه کادرها و اعضا در تعیین و انتخاب ارگانهای مختلف هدایت تشکیلاتی است. بر این اساس موازین زیر مبنای مناسبات تشکیلاتی کومه‌له قرار می‌گیرد:

1- انتخابی بودن کلیه ارگانهای مسئول و هدایت کننده تشکیلاتی از پایین تا بالا توسط اعضای آن بخش تشکیلات یا نمایندگان منتخب اعضا در آن تشکیلات.

2- معین بودن دوره های انتخاب برای همه ارگانهای مسئول تشکیلاتی..

3- مختار بودن تشکیلاتهای محلی برای پیشبرد، چگونگی اجرا و به کارگیری سیاستهای حزب و کمیته مرکزی در امور داخلی و محلی مربوط به حوزه فعالیت خود.

4- محفوظ بودن کامل حقوق اقلیت سیاسی حزبی در زمینه ابراز نظر در مسائل سیاسی و عقیدتی، از جمله در ارگانهای تبلیغی، در عین حال پایبند بودن کامل اقلیت به رعایت موازین تشکیلاتی و پیشبرد وظایف تشکیلاتی؛



اتخاذ ترتیباتی که اقلیت‌های سیاسی اعلام شده رسمی بتوانند، مطابق با وزن خود در تشکیلات، در کنگره‌ها، تجمعات حزبی و به این اعتبار در کمیته‌ها و ارگان‌های رهبری نمایندگی شوند.

تبصره 1: شرایط تشکیل اقلیت‌های تشکیلاتی به این ترتیب است که باید پلاتفرم سیاسی خود را در اختیار کمیته مرکزی حزب قرار دهند تا از طریق کم حزب در اختیار تشکیلات قرار گیرد تا وجود و مشخصات این گروه بندی سیاسی، رسمیت یابد.

تبصره 2: رسمیت اساسنامه ای یک گروه بندی سیاسی یا یک فراکسیون به شرطی است که حداقل 10 درصد کل اعضای تشکیلات از آن جانبداری کنند و در آن شرکت نمایند.

تبصره 3: فراکسیون (اقلیت سیاسی) لازم است نظر سیاسی و پلاتفرم خود را به طور علنی و در سطح جامعه اعلام نماید.

۵- یکسان بودن دیسپلین حزبی برای کلیه اعضای کومه له.

۶- پذیرش و به راه بردن تصمیمات و مصوبات جمع و تشکیلات توسط فرد، پیروی اقلیت از اکثریت

8 - تبعیت ارگان‌های پایین‌تر از ارگان‌های بالاتر و پیروی تمام تشکیلات از کمیته مرکزی

7- معتبر بودن و پیشبرد اصل رهبری جمعی و بحث



و تصمیم‌گیری مشترک در کمیته‌ها و مراجع تصمیم‌گیری
حزبی

9- معمول داشتن اصل علنیت و دیالوگ با جنبش در
مسائل نظری و سیاسی و هم در مسائلی که مربوط به
سرنوشت کومه‌له، مردم و جنبش کردستان است.

تبصره - اجرای کامل اصل انتخابی بودن ارگان‌های رهبری
و هدایت‌کننده تشکیلات - همه ارگانهای رهبری‌کننده
تشکیلات در سطوح مختلف باید انتخابی باشند. در شرایط
پلیسی و دیکتاتوری کنونی ایران و کردستان، انتخاب ارگانهای
رهبری شهرستان و منطقه در تشکیلات مخفی با مانع واقعی و
ضرورت رعایت اصل مخفی‌کاری روبرو میشود. در این شرایط ممکن
نیست نمایندگان همه اعضای شهرستان یا منطقه در یک انتخابات
آزاد شرکت نمایند. لذا در این شرایط که مسئولین حوزه‌ها میتوانند
منتخب باشند. دبیران حوزه‌ها که خود منتخب اعضا هستند، میتوانند
کمیته محله یا کمیته ده را تشکیل دهند و این کمیته‌ها نیز مسئولین
و دبیران خود را انتخاب مینمایند. دبیران کمیته‌های چند محله یا
ده، کمیته یا ارگان هدایت‌کننده آن شهر یا دهستان را به وجود
می‌آورند.

در صورت تغییر در شرایط پلیسی و امکان انتخابات آزاد، اصل
انتخابی بودن همچون دیگر تشکیلاتها در تشکیلات مخفی داخل
کردستان نیز، پیش برده میشود.



فصل سوم - ساختار تشکیلاتی کومهله

ماده سوم : حوزه‌ها

پایه ای ترین واحد تشکیلاتی کومهله، حوزه است که در محل کار، تحصیل و زیست و دیگر محل‌های اجتماعی مناسب برای فعالیت کومهله با شرکت حداقل سه عضو و حداکثر 7 عضو تشکیل می‌شوند.

حوزه‌ها اولین تشکل و الگوی کار حزبی برای تماس مستقیم و حضور در میان توده‌ها و پیشبرد کار آگاه‌گرانه در میان مردم هستند. حوزه‌ها موظفند در میان توده‌ها فعالیت کرده و نفوذ مادی و معنوی کومهله را در حیطه فعالیت خودگسترش دهند، برنامه و سیاست‌های کومهله را تبلیغ کنند.

تبصره - می‌توان تحت نظر کمیته‌های تشکیلاتی مافوق، گروه‌های ویژه برای فعالیت‌ها و ماموریت‌های موردی یا دوره‌ای تشکیل داد و یا در میان حوزه‌ها، حوزه خاصی را به این امور گمارد.

ماده چهارم - کمیته‌ها

1- بالاترین ارگان هر تشکیلات محلی کمیته‌ی آن تشکیلات است. کمیته مسئول هدایت تشکیلات تابع بر اساس سیاست‌ها و مصوبات کومهله و نیازمندی‌های مبارزه تشکیلاتی و توده‌ای در محل خویش است.

2- هر کمیته از میان اعضای خود یک نفر را به عنوان مسئول یا دبیر انتخاب می‌کند. دبیر، رابط کمیته با کمیته‌ی مافوق است و مسئولیت هماهنگ کردن و نظارت بر فعالیت‌های اعضای کمیته



را در خارج جلسه کمیته، به عهده دارد. دبیر فعالیت‌های کمیته را منظمًا به کمیته‌ی مافوق گزارش می‌دهد.

3- شیوه کار در درون کمیته‌ها مبتنی بر بررسی و تصمیم‌گیری جمعی و در عین حال توأم با تقسیم کار و کارسپاری و کنترل‌های فردی است. تصمیم‌گیری در کمیته‌ها براساس اکثریت مطلق آرا صورت می‌گیرد. هر کمیته در برابر ارگان مافوق داری مسئولیت جمعی است.

ماده پنجم - تشکیلات‌های محلی

1- تشکیلات‌های محلی کومه‌له، بر حسب محل از پایین به بالا، در شهرها عبارتند از: تشکیلات محل کار، تشکیلات محله، تشکیلات شهر. تشکیلات‌های محلی در مناطق روستایی عبارتند از: تشکیلات ده (روستا)، تشکیلات بخش. مجموعه هر دو در شهر و در مناطق روستایی، تشکیلات شهرستان را تشکیل می‌دهند.

2- هر کدام از این تشکیلات‌ها به وسیله کمیته‌ی آن تشکیلات هدایت و رهبری می‌شود.

3- کنفرانس تشکیلات شهرستان، با انتخاب نمایندگان تشکیلات‌های تابعه تشکیل و برگزار می‌شود. کنفرانس سیاست‌ها و نقشه عمل فعالیت تشکیلات شهرستان خود را در چهارچوب سیاست‌ها و اولویت‌های عمومی کومه‌له و با در نظر داشتن مقتضیات و نیازهای فعالیت محلی بررسی و تصویب نموده و کمیته شهرستان را انتخاب می‌کند.

تبصره 1- تشکیلات کومه‌له در خارج کشور یکی از تشکیلات‌های اصلی کومه‌له است که در موارد انتخابی بودن و دمکراسی درونی، همان اصول و پرنسیپ‌های مندرج در اساسنامه در آن به راه



برده میشود. این تشکیلات با توجه به محیطی که در آن فعالیت می‌کند و وظائف خاصی که به عهده دارد، نحوه‌ی کار و ضوابط آن در همه موارد، همانی نیست که در مورد تشکیلات داخل تعریف میشود. لذا وظایف مشخصتر آن در آییننامه ای جداگانه که همان مبانی تشکیلاتی اساسنامه ای باید بر آن ناظر باشد، توسط کمیته مرکزی تدقیق میشود. این تشکیلات بر مبنای کمیته های شهری و کشوری سازمان مییابد و اصل انتخابی بودن در آن به راه برده میشود. همچنین در فاصله دو کنگره باید حداقل دوبار کنفرانس توسط نمایندگان اعضای تشکیلاتها برگزار شده باشد. کنفرانس خارج کشور سیاستهای تشکیلاتی و نحوه فعالیت ما در این تشکیلات را مورد بررسی قرار میدهد و نتایج لازم را میگیرد و سرخط نحوه فعالیت آتی را تعیین مینماید.

تبعصره 2. تشکیلات مسلح و نیروی پیشمرگ کومه له، داری وظائف و کارکردهای خاص خود می‌باشد که طرز کار و ضوابط آن در آئین نامه‌ی نیروی پیشمرگ کومه‌له تعیین می‌شود.

ماده ششم -

کمیته مرکزی کومه‌له نمی‌تواند تقسیمات سازمانی دیگری، به جز آن چه در این اساسنامه پیش بینی شده است را، به اجرا درآورد. اما میتواند در صورت لزوم ارگانهای ستادی و غیر ستونی ضروری را برای اجرای امور محوله و یا پروژه های معین، ایجاد نماید. اما این ارگانها در هیچ شرایطی نباید وظایف و اختیارات ارگانها و کمیته های تشکیلاتی اساسنامه‌ای و منتخب را محدود نمایند.



فصل چهارم - کنگره

ماده هفتم -

بالاترین ارگان کومه‌له، کنگره است که باید هر سه سال یک بار تشکیل شود و تصمیمات آن برای تمام تشکیلات لازم الاجرا است. کنگره در موعد مقرر در اساسنامه توسط کمیته مرکزی فراخوان داده میشود.

تبصره 1: کمیته مرکزی باید حداقل شش ماه قبل از برگزاری کنگره «از میان اعضای خود، کمیسیونی برای تدارک کنگره سازمان دهد. این کمیسیون موظف است تا کمیسیونهای معینی از میان خود، کادرها و تشکیلات، برای هرکدام از دستور جلسات پیشنهادی کنگره، به کمیته مرکزی پیشنهاد نماید و سازمان و نحوه کار آنها را به تصویب کمیته مرکزی برساند.

تبصره 2: انتخابات برای تعیین نمایندگان کنگره باید حدود دو ماه قبل از برگزاری کنگره به اتمام رسیده باشد. هر قرار و پیشنهادی برای طرح در دستور کار کنگره، باید حداقل 15 روز پیش از برگزاری کنگره در اختیار کمیسیون تدارک کنگره قرار گیرد.

تبصره 3: در شرایط برگزاری کنگره فوق العاده مدت زمان شش ماهه به سه ماه و کمتر از آن تقلیل مییابد.

ماده هشتم - وظائف و اختیارات کنگره

کنگره کومه‌له:



- 1 - برنامه و اساسنامه کومه‌له را تصویب و یا اصلاح می‌کند.
 - 2 - خط مشی سیاسی کومه‌له، مسائل استراتژیک و تاکتیک‌های مهم و ضروری را بررسی و تعیین می‌کند.
 - 3- گزارش کمیته مرکزی و عملکرد این کمیته و ارگانهای اصلی کومه‌له در دوره ی میان دو کنگره را مورد بررسی قرار می دهد.
 - 4- همه اعضا و علل بدلهای کمیته مرکزی را انتخاب می‌کند.
- ماده نهم - شرکت کنندگان در کنگره عبارتند از:
- 1 - نمایندگان منتخب هر یک از تشکیلات‌های کومه‌له به انتخاب اعضای آن تشکیلاتها
 - 2- اعضا و علل بدلهای کمیته مرکزی.
- تبصره 1_ اعضا و علل بدلهای کمیته مرکزی در کنگره با رأی قطعی شرکت خواهند کرد به شرطی که تعداد کل نمایندگان صاحب رأی قطعی در کنگره، در مجموع بیش از سه برابر تعداد اعضا و علل بدلهای کمیته مرکزی باشد. در صورتیکه در آییننامه کنگره این شرط منظور و حاصل نشده باشد، اعضا و علل بدلهای کمیته مرکزی برای اینکه دارای رأی قطعی باشند، باید در یکی از حوزه های انتخاباتی به سمت نماینده برگزیده شده باشند.
- 2- ضوابط و نسبت انتخاب نمایندگان برای کنگره، حداقل سه ماه پیش از تاریخ برگزاری کنگره، باید به اطلاع اعضا و تشکیلاتهای محلی رسانده شود. این آییننامه بر مبنای اصول اساسی تشکیلات حزبی مندرج در اساسنامه و توسط کمیته مرکزی کومه‌له تدوین میشود.
- تبصره 3- کمیته مرکزی می‌تواند اعضایی از تشکیلات را به عنوان ناظر به کنگره دعوت نماید.



تبصره ۴- کمیته مرکزی می‌تواند از احزاب و گروه‌ها و شخصیت‌ها افرادی را به عنوان مهمان یا ناظر به کنگره دعوت نماید.

ماده دهم - رسمیت کنگره

با حضور دوسوم شرکت کنندگان صاحب رای، کنگره رسمی و قابل تشکیل است و تصمیمات آن با اکثریت مطلق آرا اتخاذ می‌شود.

ماده یازدهم - کنگره فوق العاده

1 - کمیته مرکزی می‌تواند دعوت به کنگره فوق العاده بنماید.

2 - چنانچه یک دوم اعضای کومه‌له خواستار تشکیل کنگره فوق العاده باشند، کمیته مرکزی موظف به فراخوان آن است.



فصل پنجم - کنفرانس

ماده دوازدهم - چنانچه تحولات وضعیت سیاسی و یا پیش آمدن مسائل مهم حزبی، مشاوره و یا اتخاذ تصمیماتی را در سطحی وسیعتر از کمیته مرکزی ایجاب نماید، بایدکنفرانس کومهله به دعوت کمیته مرکزی فراخوان داده شود.

ماده سیزدهم - شرکت کنندگان صاحب رای در کنفرانس را اعضا و علل بدل‌های کمیته مرکزی و نمایندگان منتخب تشکیلاتها و کمیته‌های اصلی تا حد کمیته شهرستان، تشکیل می‌دهند و تصمیمات آن برای کل تشکیلات لازم الاجرا است.

تبصره - کنفرانس با شرکت دوسوم شرکت کنندگان صاحب رای، رسمی و قابل تشکیل است و تصمیمات آن با اکثریت مطلق آرا اتخاذ می‌شود. تعداد کل نمایندگان کنفرانس نباید از دو برابر اعضا و علل بدل‌های کمیته مرکزی، کمتر باشد.



فصل ششم ارگان‌های رهبری مرکزی

ماده چهاردهم - در فاصله بین دو کنگره، کمیته مرکزی بالاترین ارگان کومه‌له بوده، کلیه وجوه فعالیت سیاسی و تشکیلاتی را اداره می‌کند و تصمیمات آن برای همه اعضا لازم الاجرا است.

تبصره 1: کسانی میتوانند کاندید عضویت کمیته مرکزی شوند که در رده بندی کادرها، شرایط بالاترین رده کادری را دارا باشند و مرجع رسمی حزبی به این امر معترف شده باشد.

تبصره 2: کارکرد و مسئولیتها و پرونده تشکیلاتی هر فرد کاندید کمیته مرکزی باید قبلا در اختیار نمایندگان و تشکیلات قرار گیرد.

ماده پانزدهم - وظائف و اختیارات کمیته مرکزی

کمیته مرکزی:

- 1- مسئول اجرا و پیشبرد مصوبات کنگره است.
- 2- موسسات و تشکلهای گوناگون حزبی را رهبری، هدایت و هماهنگ می‌کند.
- 3- کومه‌له را در رابطه با احزاب و نیروهای سیاسی گوناگون نمایندگی می‌کند و سیاست در این موارد را تعیین مینماید.
- 4- خط ترویج و تبلیغ سیاسی را از طریق ارگانها و نشریات مرکزی و نیز از راه ارائه رهنمودهای لازم هدایت می‌کند.



۵- کلیه اموال و سازمان خزانه مرکزی را کنترل کرده، بودجه تشکیلات را تصویب و کنترل میکند. منابع مالی و سرمایه گذارهای کومه له را در دست میگیرد. سازمان آنها را تعیین تعریف و کنترل مینماید و کل بودجه کومه له را به مصارف ضروری مبارزاتی گوناگون تخصیص می دهد.

تبصره 1: هیچ تغییری در بودجه تعیین شده بدون رأی کمیته مرکزی و در غیاب آن، دفتر سیاسی، ممکن نیست.

۶- از میان خود دبیر، معاون یا معاونین دبیر و اعضای دفتر سیاسی را انتخاب می کند.

7- یا ایجاد مکانیسم لازم، هر سه ماه یکبار کمیته های تشکیلاتی و کل تشکیلات را به طور مرتب در جریان امور عمومی حزب و کارکرد خود قرار میدهد و از نظر آنها در این موارد مطلع میگردد. 8- ماهانه از طریق دفتر سیاسی، از همه اعضای خود گزارش دریافت میکند و گزارش کار خود را به کنگرهی حزبی ارائه می کند.

ماده شانزدهم - پلنوم

نشست عمومی و وسیع کمیته مرکزی (پلنوم)، حداقل هر شش ماه یک بار به دعوت دبیر کمیته، دفتر سیاسی و یا تقاضای نصف اعضای این کمیته تشکیل می شود. اعضای علی البدل کمیته مرکزی با رای مشورتی در این جلسات شرکت خواهند کرد. مشاورین کمیته مرکزی نیز در پلنومها حضور میابند..

تبصره یک: کمیته مرکزی دارای مشاورینی خواهد بود که تعداد آنها حداکثر نباید از نصف اعضای کمیته مرکزی تجاوز نماید و توسط کمیته مرکزی انتخاب میشوند..



ماده هفدهم - دفتر سیاسی

دفتر سیاسی:

- 1- در فاصله بین دو نشست کمیته مرکزی، رهبری تشکیلات را به عهده دارد.
- 2- مسئول اجرا و پیشبرد مصوبات و قرارهای کمیته مرکزی است و گزارش کار خود و کمیسیونهای مرکزی را را به نشست کمیته مرکزی (پلنوم) ارائه می دهد.
- 3- دفتر سیاسی می‌تواند کمیته مرکزی را به تشکیل نشست فوق العاده دعوت کند.
4. دفتر سیاسی از میان اعضای خود و کمیته مرکزی، مسئولین یا دبیر کمیسیونهای مرکزی را تعیین میکند.

ماده هیجدهم - کمیسیونهای مرکزی :

1. کمیته مرکزی از میان اعضا و علل بدلها و در صورت لزوم، مشاورین خود، اعضای کمیسیونهای مرکزی را تعیین مینماید.
2. کمیسیونهای مرکزی کومه له عبارتند از: کمیسیون دارایی و اموال، کمیسیون تبلیغات، کمیسیون آموزش، کمیسیون تشکیلات، کمیسیون نظامی و کمیسیون ارتباطات (ارتباط با احزاب کردستانی، ایرانی و ارتباطات خارجی) و کمیسیون بازرسی. شیوه و ضوابط کار در کمیسیونهای مرکزی، همان ضوابط کار کمیته ای مندرج در اساسنامه است.
3. دبیرخانه (سکرتاریا) و واحد حفاظتی امنیتی، سازمانهای ویژه ای هستند که توسط کمیته مرکزی سازمان داده میشوند و ضوابط



کارشان از سوی ک.م تعیین میگردد.

ماده نوزدهم: دبیری کومهله

- 1- دبیر، عضو دفتر سیاسی بوده و ایجاد هماهنگی و نظارت بر کارکرد کمیسیونهای کمیته مرکزی را به عهده دارد. در اولین پلنوم بعد از کنگره از سوی کمیته مرکزی انتخاب می شود.
- 2- دبیر، علاوه بر وظائف دبیری کمیته مرکزی و پیگیری مصوبات آن، در موارد لازم کمیته مرکزی کومهله را رو به بیرون و در سطح جامعه، رسانهها و احزاب و نیروهای گوناگون نمایندگی می کند.
- 3- دبیر در مقابل کمیته مرکزی و در فاصله دو پلنوم در مقابل دفتر سیاسی، جوابگو است. گزارش کار خود را منظمًا به کمیته مرکزی و دفتر سیاسی می دهد.
4. دبیر دارای یک یا دو جانشین خواهد بود. تعیین تعداد 1 یا 2 جانشین و انتخاب جانشین دبیر در اختیار پلنوم کمیته مرکزی است.
5. دبیر به صورت متوالی تنها میتواند دو دوره زمانی پشت سر هم (منظور دوره زمانی مابین دو کنگره است، یعنی حداکثر شش سال متوالی) خود را کاندید پست دبیری نماید.
6. در خارج جلسات دفتر سیاسی، در مواردی که تصمیمی توسط دفتر سیاسی یا کمیته مرکزی اتخاذ نشده است؛ دبیر در نشست با معاون یا معاونین و با نظرخواهی از دبیر عرصه مربوطه، اتخاذ تصمیم میکند.



فصل هفتم - عضویت

ماده بیستم - شرایط عضویت

عضو کومهله کسی است که:

- 1- برنامه و اساسنامه کومهله را پذیرفته و از آن پیروی کند.
- 2- در یکی از تشکیلاتهای کومهله فعالیت نماید.
- 3- به تشکیلات حق عضویت پردازد.

ماده بیست و یکم - پذیرش عضو

هر فرد متقاضی عضویت، علاوه بر داشتن شروط فوق، هنگامی به عضویت پذیرفته می شود که:

- 1- دو نفر عضو، که سابقه عضویت آنها در کومهله کمتر از دو سال نباشد، وی را توصیه نمایند.
 - 2- یک کمیته‌ی تشکیلاتی حاضر باشد او را به عنوان عضو بپذیرد.
 3. عضو جدید باید حداقل یک دوره شش ماهه را به عنوان عضو آزمایشی بگذراند، تا عضویت وی رسمی و قطعی شود.
- تبصره - پذیرش عضو در همه تشکیلاتهای محلی کومهله با تصویب کمیته‌ی آن تشکیلات صورت می‌گیرد. در موارد خاص که افراد متقاضی عضویت با تشکیلاتهای محلی مربوط نباشند، کمیته مرکزی



راسا به امر پذیرش آنها رسیدگی می‌کند.

ماده بیست و دوم - وظائف

هر عضو کومهله مؤظف است که:

- 1- از اساسنامه و موازین و قرارهای تشکیلاتی پیروی کرده و انضباط حزبی را رعایت نماید.
- 2- وظایف محوله را به خوبی انجام دهد.
- 3- در حفظ اسرار و اسناد و اموال تشکیلات کوشا باشد.
- 4- مدافع پیگیر اهداف و اصول کومهله باشد و با دلسوزی و مراقبت کامل در تقویت تشکیلات و حفظ و تحکیم وحدت و انسجام آن بکوشد.
- 5- پیگیرانه به امر مبارزه‌ی رهایی مردم کردستان و طبقات تحت ستم خدمت کرده و پیوند و همبستگی کومهله را با توده‌های کارگر و زحمتکش گسترش دهد و تحکیم بخشد.
- 6- در بالا بردن آگاهی سیاسی خود در هم‌زمان و محیط کار و فعالیت خود مجدانه تلاش کند.
- 7- گزارش دقیق فعالیت‌های خود را به تشکیلات ارائه دهد.
- 8- در برابر اشتباهات و کمبودها خود و دیگران با احساس مسئولیت انقلابی و با هدف آموزش و رفع کمبودها، در راستای تصحیح و جبران آنها بکوشد.

ماده بیست و سوم - حقوق عضو

هر عضو کومهله حق دارد که:

- 1- در بحث و اظهار نظر و تأثیرگذاری پیرامون مواضع و



سیاست‌های کومه‌له از طریق جلسات و نشریات درون تشکیلاتی شرکت کند. همچنین عضو کومه‌له حق دارد نظر سیاسی خود را به اطلاع عموم برساند.

2- در جلسات تشکیلاتی از هر مقام، مسئول و یا ارگان تشکیلاتی انتقاد نماید.

3- از تصمیمات و سیاست‌های تشکیلات مربوطه مطلع گردد و نظرات، پیشنهادات و انتقادهای خود را با کلیه ارگانهای بالاتر و از جمله کمیته مرکزی و کنگره در میان بگذارد.

4- در انتخابات‌های گوناگون تشکیلاتی بر طبق موازین تعیین شده شرکت نماید، انتخاب کرده و انتخاب شود.

ماده بیست و چهارم - کناره گیری از عضویت

پیوستن به صفوف کومه‌له و عضویت در آن داوطلبانه و بر اساس احساس نیازهای مبارزاتی و تصمیم آگاهانه افراد برای خدمت به اهداف مبارزاتی و سیاسی این حزب می باشد. کناره گیری از عضویت نیز امری آزادانه بوده و هر عضو کومه‌له می تواند به میل خود از عضویت کناره گیری نماید.

عضو خواهان کناره گیری باید این خواست را رسماً به کمیته‌ی مافوق خود اطلاع دهد و موظف است که مسئولیت‌های تشکیلاتی خود و هم چنین اموال و اسناد تشکیلاتی را که در اختیار دارد به تشکیلات بازپس دهد و تصفیه حساب نماید. کمیته‌ی مافوق پذیرش درخواست کناره گیری را رسماً به وی اطلاع می دهد.

ماده بیست و پنجم - عضویت گروه‌ها و جمع‌ها در کومه‌له

1- گرچه عضویت به عنوان یک قاعده امری فردی است، اما



در شرایط سیاسی خاصی می‌توان گروه‌ها و محافلی را به صورت جمعی به عضویت کومه‌له در آورد.

2- پذیرش این جمع‌ها و تنظیم نحوه‌ی رابطه‌ی کومه‌له با آنها در اختیار کمیته مرکزی می‌باشد.



فصل هشتم - اقدامات انضباطی

ماده بیست و هشتم - دیسپلین و خطا

برای یک حزب انقلابی چپ و مدرن، به ویژه در شرایط حاکمیت و اختناق و دیکتاتوری سیاسی در جامعه، حضور قوی نیروهای ارتجاعی و وجود مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی، پایبند بودن به انضباط محکم حزبی از ضروریات بقا و پیشروی و پیروزی است. لذا، در موارد کوتاهی اعضا در انجام وظایف و یا نقض ضوابط تشکیلاتی، اقدامات انضباطی زیر به تناسب خطای صورت گرفته، معمول می‌گردد:

1. تذکر کتبی

2. توبیخ

3. تعلیق عضویت

۴. سلب عضویت

ماده بیست و هفتم - نحره‌ی اجرا و تقاضای تجدید نظر در اقدامات

انضباطی

1- معمول داشتن اقدامات انضباطی در مورد اعضا، جز در رابطه با اخراج که تصویب نهایی توسط کمیته مرکزی صورت می‌گیرد، در صلاحیت آن کمیته‌ی تشکیلاتی است که عضو در آن فعالیت



می‌کند.

- 2- عضو تعلیقی و یا اخراجی حق دارد در جلسه‌ای که به منظور بررسی وضع وی تشکیل می‌شود، شرکت کرده و از خود دفاع نماید. مذاکرات این جلسه در هر مورد باید ثبت و کتبی شود.
- 3- هر عضوی حق دارد که از کمیته‌ی بالاتر تقاضای لغو یا تجدید نظر در اقدامات انضباطی مربوط به خود را بنماید. رأی کمیته‌ی بالاتر قطعی است.
- 4- عضو اخراجی حق دارد به کنگره شکایت کرده و تقاضای لغو حکم صادر شده را نماید.

ماده بیست و هشتم - اقدامات انضباطی در کمیته مرکزی

- 1- توبیخ اعضای کمیته مرکزی در اختیار نشست کمیته مرکزی است.
- 2- تعلیق عضویت اعضای کمیته مرکزی در صلاحیت کنفرانسی مرکب از اعضا و علل بدل‌های کمیته مرکزی و نمایندگان منتخب تشکیلاتها، تا حد تشکیلات شهرستان است.. حدنصاب لازم برای تصمیم‌گیری در این موارد دو سوم آرا است. در صورت صدور رأی تعلیق از عضویت توسط چنین کنفرانسی، فرد مربوطه عضویت کمیته مرکزی را از دست می‌دهد.
- 3- اخراج عضو کمیته مرکزی از کومه‌له تنها در صلاحیت کنگره است.

ماده بیست و نهم:

شرح موازین رده بندی کادرها و همچنین ضوابط انتخاباتهای مختلف



حزبی در یک آییننامه جداگانه به عنوان ضمیمه اساسنامه، تدوین خواهند شد.



برنامه سیاسی
کومه له زحمتکشان کردستان
مصوب کنگره دوازدهم کومه له
(کنگره رفرم)
تیرماه 1387 . ژوئن 2008



بخش اول:

مبانی و محورهای اصلی خط و سیاست‌های کومه‌له

1. کومه‌له و مسئله ملی در کردستان
 - در باره مسئله کرد در دیگر بخش‌های کردستان
 - کومه‌له و احزاب کردستانی
 - در باره ملل ساکن ایران
 - در باره ترفند تجزیه‌طلبی در ایران و مساله تمامیت ارضی
2. کومه‌له و مسئله فدرالیسم
 - آلترناتیو حکومتی در ایران و کردستان
3. کومه‌له و جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی
 - سیاست ما در قبال مبارزات کارگری کردستان
 - کومه‌له و جنبش زنان
4. کومه‌له و استراتژی سوسیالیستی و گسترش دمکراسی
(سوسیالیسم دموکراتیک)
 - پلورالیسم سوسیالیستی



- در صحنه سیاسی ایران
- جنبش کارگری

بخش دوم:

دیدگاه کومه‌له در قبال مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی

1. در باره ارزش‌ها و مبانی نظام دمکراتیک
2. در باره بیانیه حقوق بشر
3. در باره رژیم جمهوری اسلامی
4. کومه‌له و مسئله مذهب
5. در باره اعتیاد و مواد مخدر
6. در مخالفت با جنگ و سلاح‌های کشتار جمعی
7. در باره حقوق و کار کودکان و مسئله کودکان خیابانی
8. تحصیل و آموزش اجباری و رایگان
9. در باره تامین اجتماعی سالخوردگان و.....
10. در ضرورت لغو حکم اعدام
11. در مخالفت با مجازات در ملا عام
12. در باره منابع طبیعی، محیط زیست و آثار باستانی کردستان.



پیشگفتار

تحولات چند دهه‌ی گذشته و تغییرات اساسی در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، دگرگونی‌های چشمگیری در همه‌ی عرصه‌های زندگی مردم کردستان پدید آورده است. کومه‌له که بیش از سی سال است در ابعاد اجتماعی و سیاسی کردستان ایفای نقش می‌کند، علی‌رغم افت و خیزهای تشکیلاتی و سیاسی، همواره مدافع حق ملی مردم کردستان و خود بخشی از مبارزه برای رهایی این مردم از یوغ ستم ملی و مدافع پیگیر ستمدیدگان و طبقات محروم در جامعه و مروج و مبشر فرهنگ مترقی و عدالت‌خواهانه بوده است.

تحولات سیاسی، اقتصادی و گسترش شکاف طبقاتی از یکسو و رشد خودآگاهی ملی در کردستان از سوی دیگر، حضور یک جریان چپ، عدالت‌خواه و معطوف به مسأله‌ی رهایی ملی مردم کردستان و طبقات استثمارشده را بیش از پیش ضروری ساخته است. امروزه کردستان بیش از گذشته از یک جامعه ساده و سنتی به سوی یک جامعه پیچیده، سازمان‌یافته و مدرن‌تر گام نهاده است. کردستان ایران بیش از هر زمانی نیازمند حزبی سوسیالیستی، آزادی‌خواه و پیکارگر است که مبارزات ملی و دموکراتیک این ملت را رهبری و هدایت کند.



جامعه ایران و کردستان در آستانه تحولات اساسی قرار گرفته‌اند. جمهوری اسلامی در تنگناهای داخلی و بین‌المللی گرفتار آمده است. در صورت بروز هر تحول سیاسی و اجتماعی، کردستان بیشترین آمادگی را دارد تا بپاخیزد و گام بزرگی به سوی آرزوهای دیرینه‌اش بردارد.

جنبش ملی و آزادی‌خواهی کردستان جغرافیای پهناورتری را در بر گرفته است و چنان با زندگی و آرزوهای توده‌های وسیع عجم گشته که حل واقعی و دمکراتیک مساله ملی و رهایی این ملت از ستم، زورگویی و اشغالگری نظامی به امری هم تاکتیکی و هم استراتژیکی منجمله برای یک جریان سوسیالیستی تبدیل شده است. مبارزه برای رهایی ملی و دفاع از حقوق برابر این ملت با سایر ملل آزاد جهان، بخش مهمی از مبارزه‌ی عدالت‌خواهانه و برابری طلبانه‌ماست.

کومه‌له با پشتوانه عظیمی که از سال‌های پس از بهمن ۵7 کسب کرده و علی‌رغم اشتباهات سیاسی‌اش می‌تواند با نقد صمیمانه و صادقانه گذشته کماکان نقطه امید توده‌های وسیع مردم کردستان باشد و در یک فرصت تاریخی دیگر مبارزات این ملت را برای تحقق حقوق اقتصادی و سیاسی‌اش سازماندهی و رهبری کند. اوضاع متحول کنونی از ما به عنوان کومه‌له، به عنوان بخشی از جنبش چپ و سوسیالیستی در کردستان، می‌طلبد که نه تنها دیدگاه‌های سیاسی خود را در شرایط کنونی به روشنی بیان داریم، بلکه عزم خود را برای حضور موثر در پیکارهای آتی نشان دهیم.



بخش اول: بنایی و محورهای اصلی خط و سیاست‌های کومه‌له

1. کومه‌له و مسئله ملی

کومه‌له وجود ستم ملی و تداوم آن در کردستان را اساسی‌ترین چالش این جامعه می‌داند. هرچند در آغاز قرن بیستم خودآگاهی و همبستگی ملی در سطح پایینی قرار داشت، اما با تشکیل جمهوری کردستان (132۴) که اساساً متکی به شرایط آن مقطع بین‌المللی بود، به مبارزات ملی در کردستان ایران جهش درخور توجهی داد. اقدامات دمکراتیک جمهوری کردستان هم‌چون نخستین تجربه حاکمیت خلق کرد، در شرایط اجتماعی و سیاسی آن هنگام تحولی شگرف بود. این جمهوری تنها 11 ماه دوام آورد، اما اثرات آن بر مبارزات ملی و به ویژه بلحاظ غنابخشیدن به آن و پایه‌ریزی ارزش‌های دمکراتیک در جنبش کردستان و در دیگر بخش‌های آن انکارناپذیر است.

مبارزات ملی در کردستان از سال 1320 به این سو و با تشکیل کومه‌له حیات کردستان (کومه‌له‌ی ژ.ک) و سپس تشکیل تأسیس جمهوری کردستان در مه‌آباد در سال 132۴ و تشکیل احزاب سیاسی، به صورت مدرن امروزی، جهش درخور توجهی به خود دید. شکست جمهوری کردستان و سرکوب‌های رژیم شاهنشاهی در دهه‌ی 30 و سال‌های ۴۶-۴7 و دستگیری‌های وسیع و مداوم، مانع از آن نشد که خلق کرد در سال ۵7 وسیع‌تر به میدان بیاید.

سه دهه حاکمیت خونین و سبعمانه جمهوری اسلامی در



کردستان نه تنها خلق کرد را برای رسیدن به خواست رهایی خود به زانو در نیاورده است، بلکه اکنون جغرافیای این مبارزه در کردستان وسیع‌تر از هر دوره‌ای است. در دهه‌های اخیر و علی‌رغم سرکوب‌های خونین، لشکرکشی‌های بزرگ، اشغال نظامی کردستان، بمباران و اعدام‌های جمعی، کردستان ایران بیش از پیش به سوی خودآگاهی، همبستگی و مبارزات ملی دمکراتیک سوق یافته است. اگر لشکرکشی جمهوری اسلامی در 28 مرداد 13۵8 برای اشغال کردستان و سرکوب ندای آزادیخواهی آن صورت گرفت، امروز پس از 30 سال خلق کرد بیش از گذشته بر دستیابی به آزادی و حق تعیین سرنوشت خویش مصر و مصمم است. امروز ملت کرد همبسته‌تر و متحدتر است و جغرافیای مبارزه سیاسی در کردستان هیچ‌گاه چنین وسیع و گسترده نبوده است. مضاف بر آن مطالبات ملی و مدنی مردم کردستان، امروز از شفافیت بازم بیشتر نسبت به سال‌های پیش برخوردار گشته است و حتی شاهد تعمیق و اعتلای سطح این مطالبات و آماج‌ها بوده‌ایم.

کردستان آستن تغییر و تحولات پیشگفته است. کومه‌له مبارزه برای رفع ستم ملی را در شرایط کنونی در صدر اولویت سیاست و برنامه‌های خود گنجانده است. توجه به بیداری ملی، سازماندهی و رهبری این مبارزات که هر روزه هم گسترش می‌یابد، از وظایف اساسی کومه‌له است.

کومه‌له خود را حزب ستمدیدگان، حزب سازمانده مبارزات ملی برای رهایی و حزب امید و آرزوهای خلق کرد برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت خویش می‌داند. همانند مقطع



۵۷ که کومه‌له با ابتکارات نوین و اندیشه‌های پیشرو انسانی‌اش نشان داد که می‌تواند یکی از موثرین حزب سیاسی برای رهبری مبارزات ملی دمکراتیک باشد، اکنون به درجات بالاتری چنین ضرورتی در کردستان از کومه‌له می‌طلبد که هم مبارزات ملی و دمکراتیک را سازماندهی کرده و هم کماکان مبشر پیشروترین اندیشه‌های انسان‌گرایانه و عدالت‌خواهانه، آزادی‌خواهانه و مدافع ستمدیدگان و محرومان جامعه باشد.

حزب ما تشکیل دولت مستقل کردستان را همانند سایر ملل جهان، حق دمکراتیک و مسلم ملت کرد می‌داند و برای حاکمیت این مردم بر سرزمین خود در چهارچوب یک نظام فدرال برنامه‌ریزی کرده و مبارزه می‌نماید.

شعار مبارزاتی کنونی ما در سراسر کردستان، خروج قوای اشغالگر از کردستان است که به عنوان مضمون محوری تمام حرکت‌های اعتراضی طرح می‌گردد.

کومه‌له برای ایجاد جبهه کردستانی متشکل از احزاب و سازمان‌های سیاسی موجود در کردستان تلاش می‌کند. بنابراین ما از هم‌اکنون برای هرگونه همکاری دوجانبه، سه‌جانبه و... و ائتلاف تا تشکیل یک جبهه کردستانی همه‌گیر، اعلام آمادگی می‌کنیم.

هم‌چنین ما از فرهنگ‌سازی برای شناساندن حق برابر خلق کرد با دیگر ملت‌هایی که از ستم ملی رنج نمی‌برند، کاملاً پشتیبانی می‌کنیم.

در باره مسأله‌ی کرد در دیگر بخش‌های کردستان

مبارزات ملی و آزادی‌خواهانه در بخش‌های دیگر کردستان



در کشورهای عراق، ترکیه و سوریه نیز از پتانسیل‌های عظیم دمکراتیک، سکولاریستی، پلورالیستی و اصیل و مردمی برخوردارند. با تحولات جاری در خاورمیانه، جنبش‌های مردمی در بخش‌های مختلف کردستان نیز می‌توانند ظرفیت‌های دمکراتیک را در منطقه به مراتب بالا برده و یکی از نیروهای متحد دمکراسی‌خواهی در منطقه محسوب گردند. علی‌رغم پیچیدگی‌های منطقه خاورمیانه می‌توان گفت که مسالهی کورد در اذهان جهانیان به صورت یک مسالهی واحد در این منطقه جا باز کرده است.

مسئله کورد در خاورمیانه و در کشورهایی که کوردها در آن ساکنند، از نظر ما یک مسئله واحد است. از حق تعیین سرنوشت ملت کورد در کشورهای دیگر نیز تا ایجاد دولت مستقل ملی، پشتیبانی می‌نمایم. ما خواهان ایجاد ارتباط فشرده سیاسی با احزاب و جنبش‌های کورد در دیگر بخش‌های کردستان هستیم و استقلال آن‌ها را برای تعیین مسیر سیاسی و ملی‌شان به رسمیت می‌شناسیم. لذا ما در دیگر بخش‌های کردستان به ایجاد حزب یا سازماندهی حزبی نمی‌پردازیم. اما روند سیاسی و تحولات اجتماعی آنها را به سرنوشت خود مربوط دانسته و به این لحاظ سیر تحولات سیاسی در دیگر بخش‌های کردستان را پیگیرانه دنبال خواهیم کرد.

ما خواهان ایجاد هماهنگی و همکاری مبارزاتی مابین احزاب کورد در همه بخش‌های کردستان هستیم و تلاش برای تدوین یک استراتژی ملی را که همگان به آن وفادار باشند، امری ضروری می‌دانیم. ما معتقدیم و بر آن پایسی می‌فشاریم که



هیچگاه نباید بخشی از جنبش کردستان یا حزبی سیاسی در یک بخش از آن، برعلیه منافع جنبش در بخش‌های دیگر، اقدامی انجام دهد. هیچ حزب سیاسی مجاز نیست با اشغالگران کردستان برعلیه و یا به زیان جنبش کرد در آن بخش، هم‌پیمان شود و یا بدان تمکین نماید.

کومه‌له و احزاب کردستانی

کردستان امروز جامعه‌ای تحزب یافته است. تعدد احزاب آن خود گویای روشنی از تحولات دهه‌های اخیر و انکشاف سیاسی میان جریان‌های فکری و سیاسی کردستان است. چنین ویژگی‌ای از لحاظ سیاسی به این جامعه، تنوع فزونتری بخشیده است. از نظر ما ضرورت دارد مناسبات میان احزاب سیاسی که تغییرکنند. در مناسبات احزاب باید سودای از میدان بدر کردن "رقیب" جای خود را به همکاری و تلاش برای رسیدن به پروژه‌های مشترک بدهد. افسانه‌ی "یک ملت، یک حزب" دیگر به گذشته تعلق دارد. مناسبات دوستانه و مملو از دیالوگ و همکاری به سرعت می‌تواند موقعیت عمومی احزاب را تقویت کرده، چشم‌انداز گسترش و موفقیت جنبش کردستان در رسیدن به اهداف خود را روشن‌تر ساخته و قوام بخشد. اصل پلورالیسم سیاسی، گسترش دیالوگ مداوم و پایبندی به آرای عمومی و توسل به اراده اکثریت مردم می‌تواند فضای مناسبات بهتری را میان احزاب سیاسی کردستان فراهم نماید.

بر این مینا همکاری میان احزاب، تنظیم روابط، اتحاد در عمل، ائتلاف و تشکیل جبهه متحد نیازی مبرم و خواستی همگانی



است. ما خواهان احترام به پلورالیسم سیاسی و تنظیم روابط میان احزاب مختلف کردستان بر مبنای به رسمیت شناختن همدیگر علی‌رغم اختلاف سیاسی موجود هستیم. با توجه به این که جنگ داخلی در کردستان ضربات سنگینی به جنبش کردستان وارد نموده است، باید به روشنی تاکید شود که هر نوع توسل به زور و اسلحه محکوم و مذموم است. کومه‌له برای حصول به بیشترین هماهنگی، همکاری و اتحاد عمل با سایر احزاب کردستانی تلاش می‌کند. و تأمین این امر مهم را یکی از وظایف اساسی خود می‌داند. اکنون با توجه به حضور شمار فزونی از جریانات سیاسی در کردستان، ضرورت تدوین منشور احزاب و ضرورت پایبند بودن همه احزاب به یک نرم و استاندارد در زمینه دیالوگ، همکاری و تعیین حد و مرزهای معین در رابطه با منافع عمومی خلق کرد و جنبش ملی کردستان بیش از پیش مطرح است.

در باره ملل ساکن ایران

ایران کشوری چند ملیتی است. تنوع ملی در ایران بیشتر از هر کشور دیگر در خاورمیانه است. سنگ‌بنای حاکمیت ضد‌مردمی جمهوری اسلامی با یورش به ملیت‌ها در ایران آغاز شد. جمهوری اسلامی در این سی سال با سازماندهی و تشکیل ارگان‌های متعدد به شیوه‌ای سیستماتیک به سرکوب جنبش‌های ملی خلق‌ها در ایران پرداخته و در ابعادی وسیع ستمگری ملی را تداوم بخشیده است. لشکرکشی‌های نظامی، ملیت‌اریزه‌کردن مناطق، اعدام‌های جمعی و بازداشت‌های خودسرانه و دایرنمودن



شکنجه‌گاه‌های مخوف همه در کار بوده‌اند تا ملیت‌های ساکن ایران را که در بهمن ۵۷ مجالی یافته بودند، دوباره به بند بکشند. بازپس‌گیری دستاوردها و فضای آزاد سیاسی از جمله با حمله و لشکرکشی به خلق‌های کرد، عرب، ترکمن و بلوچ آغاز گشت. جمهوری اسلامی این تبعیض ملی را در ابعادی اقتصادی و اجتماعی و حقوقی نیز تداوم بخشیده تا خلق‌های تحت‌ستم شدیدتر در بند عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی گرفتار آیند. با این وجود آن چه شاهدش هستیم جنبش رو به گسترش حقیقت‌جویی ملی در میان خلق‌های ساکن ایران است. ما در کردستان، خوزستان، آذربایجان، بلوچستان و با جنبش‌های رو به رشدی روبرو هستیم که خواست رفع ستم ملی و پایان زورگویی حکومت مرکزی و خاتمه‌دادن به ملیت‌اریزم و شونیسیم قومی و مذهبی خواست اساسی این جنبش‌هاست.

در پیش‌گرفتن سیاستی فعال از سوی کومه‌له و هر جریان چپ و دمکرات در باره حق تعیین سرنوشت ملی، اتحاد داوطلبانه ملت‌ها و رفع ستم‌گری ملی در ایران، می‌تواند به جنبش‌های اجتماعی یاری رساند، ارزش‌های دمکراتیک را بالا برده و از ناهنجاری‌های ملی و نژادی که از سوی شونیسیم حاکم وسیعاً دامن زده می‌شود، ممانعت به عمل آورد.

کومه‌له زحمتکشان کردستان از حق ملیت‌های ساکن ایران برای تعیین سرنوشت خود تا ایجاد دولت مستقل ملی دفاع می‌کند. کومه‌له و جنبش کردستان خود را دوست، متحد و هم‌پیمان همه‌ی ملل تحت ستم ایران برای رهایی از یوغ ستم ملی می‌داند. ما خواهان اتحاد ملیت‌های ایرانی برای رفع ستم ملی بر علیه سرکوبگری حکومت مرکزی، تشکیل یک ائتلاف نیرومند



برای سرنگونی رژیم اسلامی و بنای یک نظام فدراتیو بر مبنای اتحاد داوطلبانه این ملیت‌ها هستیم.

در باره ترفند تجزیه طلبی در ایران و مساله تمامیت ارضی
 ”تجزیه‌طلبی“ و ”حفظ تمامیت ارضی“ در دهه‌های گذشته و اکنون نیز مضمون تبلیغاتی و ایدئولوژی شونیسیم ایرانی علیه جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد و دیگر ملل دربند ایران بوده که درگیر مبارزاتی سخت و خونین هستند. سرکوبگری ملی در ایران پادشاهی و اسلامی همواره با ترفندهای این چینی در پی آن بوده که تصویری واژگونه از مبارزات ملل و به ویژه ملت کرد ارئه دهد. ”تجزیه‌طلبی“ و ”حفظ تمامیت ارضی“ به مثابه‌ی ترم‌های اصلی ایدئولوژی شونیسیم نه تنها هم‌چون ابزار سرکوب علیه مبارزات آزادی‌خواهانه ملی به کارگرفته شده، بلکه با تمام توان و زرادخانه‌های مادی و معنوی‌اش در پی آن بوده و هست که واقعیت انکارناپذیر چند ملیتی بودن ایران را با تحریف تاریخ و با لجاجت و سماجت مداوم کتمان نماید و به جای آن همه ملیت‌های ایران را در ملت حاکمان آسیمیله و ذوب کند و از آن‌ها با ابزارهای سرکوب فرهنگی و سیاسی و تبعیض اقتصادی شاخه‌های فرعی و فاقد حقوق برابر، اما برخوردار از زبان و فرهنگ و دین و مذهب و ایدئولوژی حاکم بسازد. همین استعمار و استثمار و سرکوبگری ده‌ها ساله است که ایران را به زندان ملت‌ها و به پایمال‌کردن حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنان تبدیل کرده است. رشد ”ناموزون“ اقتصادی اساسا نقشه شونیسیم و رژیم‌های حاکم در ایران برای



عقب‌نگهداشتن و چپاول سرمایه‌ها و منابع طبیعی و ممانعت از هرگونه پروژه‌های کلان در سرزمین‌هایی است که اتفاقاً خود آن را جزیی از خاک امپراتوری از دست‌رفته‌شان می‌دانند. اگر ایران یک سرزمین واحد است، چرا دولت مرکزی علیه قسمت‌هایی از آن لشکرکشی می‌کند؟ چرا ارتش هم‌چون نیروی اشغالگر با مردمان کرد، بلوچ، عرب و... رفتار می‌کند؟ چرا منابع و معادن این مناطق را تخلیه، تخریب و به تاراج می‌برند؟ این تناقض چگونه توضیح داده می‌شود، جز اینکه خود آنان نیز برای خود رسالت اشغالگری و برای مناطق نامبرده هویتی تحت سلطه و اشغالی قائل هستند؟

تمامیت ارضی ایران تنها با به رسمیت شناختن حقوق ملی ملل ساکن در ایران ممکن است. پرسش اصلی در این ارتباط این است: مللی که تاکنون سهمی جز سرکوب و لشکرکشی نظامی و به تاراج بردن منابع و سرمایه‌هایشان و از همه این بدتر جینوساید فرهنگی از این تمامیت ارضی نداشته‌اند، چرا باید در حفظ آن بکوشند؟ ایران آتی تنها با تامین حقوق برابر ملی، استقرار سیستمی فدرال و دمکراتیک می‌تواند چون کشوری واحد باقی بماند. سرکوبگری هراندازه سبعانه باشد، تنها قادر است چنین روندی را تسریع بخشد. آن چه تاکنون شاهدش بوده‌ایم، این بوده است که سرکوب ملی 30 ساله‌ی جمهوری اسلامی نتیجه‌ی کاملاً معکوس داشته و خودآگاهی ملی در بین ملیت‌های کرد و آذری و بلوچ و عرب و ترکمن به روند برگشت‌ناپذیری تبدیل شده است.

از نظر ما ترفند تجزیه‌طلبی و شعار تمامیت ارضی بدون قبول و اعلام صریح و بی‌قیدوشرط حقوق ملی در ایران



کاربردی جز تبدیل شدنشان به ایدئولوژی سرکوب و اشغالگری نظامی و سرکوب ملل ندارد. تکرار آن از سوی هرگروهی باید به عنوان حمایت از رژیم‌های سرکوبگر و پشت کردن به مبارزات خلق‌ها و در نهایت ظهور دیکتاتوری قلمداد گردد.

2. کومه‌له و مسئله فدرالیسم - آلترناتیو حکومتی در ایران و کردستان

اصول اساسی کومه‌له برای بنیاد نهادن جامعه‌ای نوین در کردستان، مشارکت مستقیم و گسترده و وسیع توده‌های مردم در سرنوشت سیاسی‌شان است. پارلمان و دیگر نهادهای اراده‌ی مستقیم مردمی را، شرایط و توازن قوای واقعی نیروهای اجتماعی در هر مقطع معین تعیین می‌کند. تمام تلاش ما برای حضور میلیونی مردم در پیکار برای کسب حقوق خویش است و در فردای حاکمیت مردمی تنها تضمین دستاوردهای مبارزات مردم، مشارکت وسیع آنان است. حیات کومه‌له با آگاهی و حضور دائمی مردم گره خورده است.

آلترناتیو ما برای آینده ایران یک نظام فدرال و برای کردستان نیز حکومت فدرال کردستان است که تمام مناطق کردنشین غرب ایران را در بر می‌گیرد و بر مبنای دمکراسی پارلمانی سازمان می‌یابد. فدرالیسم یک قرارداد اجتماعی است و شرایطی از توازن قواست که در آن نیروهای مختلف توان و امکان خود را برای تثبیت نوعی از همزیستی به نمایش می‌گذارند. فدرالیسم تا آنجا که به خواست و نیاز نیروهای مترقی، ملت‌های



در بند و مردمان محروم جامعه برمی‌گردد، به دست‌آوردن حدودی از آزادی ملی، دموکراسی، جغرافیای ملی، اقتصاد و امکان امنیت سیاسی است. لذا اصول ناظر بر فدرالیسم باید منطبق با بافت تاریخی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی و جغرافیای ملیت‌ها روشن و تعریف گردد.

ما اعلام می‌داریم که مبنای همزیستی آزادانه و مشارکت داوطلبانه در بنیاد نهادن ایرانی آزاد و دموکراتیک و فدراتیو باید احکام ذیل باشند:

1. به رسمیت‌شناسی آزادی و حق ملت‌های داخل ایران در تعیین سر نوشت خویش، چه به لحاظ تشکیل دولت مستقل ملی خود و چه به لحاظ تعیین ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی محدوده ایالتی خود؛

2. مشارکت در تعیین نظام سیاسی مربوط به کل ایران و پس از تشکیل آن در پروسه سیاست‌گذاری و قانونگذاری کل کشور برای نمونه از طریق ایجاد یک مجلس سنا به نمایندگی از ایالت‌های کشور؛

3. تفکیک و تقسیم افقی و عمودی قوا (از سویی بین دو سطح فدرال و ایالت‌ها و از سویی دیگر بین قوه مقننه، اجرائیه و قضایی در سطح فدرال و در ایالت‌ها)؛

4. الغای تقسیمات کشوری و استانی تبعیض‌آمیز کشور و پی‌ریزی مجدد آن بر مبنای خواست و اراده شهروندان آن مناطق بر اساس پذیرش حق تعیین سرنوشت سیاسی اکثریت ملی در آن‌ها، تضمین حقوق و حیانت از اقلیت‌های ملی و همچنین حقوق شهروندی همه ساکنان آن؛

5. تقسیم درآمد سالانه خالص فدرال ایران از سویی بر



اساس درصد آمار جمعیتی و از سوی دیگر بر اساس درجه عقب‌نگه‌داشته‌شدگی اقتصادی و فرهنگی بین ایالت‌ها؛ همچنین ایجاد "صندوق همبستگی" مشترک بین ایالت‌ها و دولت فدرال برای کمک به مناطق و ایالت‌های توسعه‌نیافته (معنی اصلی فدرالیسم "همبستگی" می‌باشد و هدف از بنیان‌گذاری آن باید از جمله تأمین فرصت‌ها و امکانات رشد اقتصادی و اقتصادی همسان و برابر در پهنه ایران باشد)؛ قائل شدن حق اخذ مالیات و برخورداری از دیگر درآمدها برای ایالت‌ها؛

۶. تعیین یک مرجع داوری برای حل و فصل اختلافات بین دولت فدرال و ایالت‌ها و یا بین ایالت‌ها؛

۷. برقراری نظام انتخاباتی نسبیتی (هر حزب و ائتلاف سیاسی روی کار بیاید، نباید تغییری در مشارکت درصدی سخنوران ملیت‌های ایرانی در حاکمیت فدرال و ایالتی داشته باشد و این باید در قانون اساسی فدرال و ایالتی تضمین گردد)؛

۸. پخش ادارات و ارگان‌های فدرال مرکزی در کل ایران و ایالت‌ها و سهمیه‌بندی مناصب و پست‌های فدرال بین سخنوران ملیت‌های ایرانی بر اساس درصد جمعیتی آن‌ها و توجه بیشتر در این خصوص به سود ملیت‌های غیرفارس ایران و به سود زنان کشور جهت رفع عقب‌ماندگی تاکنونی بر آن‌ها؛

۹. تضمین ساختار فدرال در قانون اساسی، قائل شدن حق جدایی در صورت لغو یا زیرپا گذاشتن آن، قائل شدن حق و تو برای نمایندگی خلق‌های ایران در صورت تغییر بندهای قانون اساسی؛

۱۰. تضمین رسمی و ملی و هم‌ارج بودن تمام زبان‌های ایرانی،



(فارسی، کردی، آذری، بلوچی، ترکمنی، عربی) برای ارگان‌های فدرال در قانون اساسی و تضمین حقوق زبانی و فرهنگی در پهنه ایران برای کل شهروندان کشور در "قانون زبان‌های ایران"، برچیدن اجبار آموزش "زبان مشترک" (هر شهروند ایرانی هر جای کشور که باشد مکلف به یادگیری دو زبان از زبان‌های ایرانی می‌گردد - زبان نخست زبان آموزشی و اداری و رسمی ایالت محل سکونت خواهد بود و زبان دوم اختیاری)؛ 11. پذیرش سکولاریسم و اصل جدایی کامل دین و ایدئولوژی از دولت، برچیدن رسمی یا غیررسمی بودن هرگونه دین و مذهب و آئینی در قانون اساسی فدرال کشور و تضمین بی‌طرفی مطلق نظام فدرال در امر ارزش‌های دینی، مذهبی، آئینی و ایدئولوژیک.

جمهوری فدرال کردستان که ساختار سیاسی و حکومتی مورد نظرماست مبانی و ارزش‌های منشور جهانی حقوق بشر و نظام دموکراتیک را که در این برنامه آمده است، به عنوان اصول بینادی خود به رسمیت شناخته و خود را برای نهادینه کردن آن ملزم و متعهد می‌داند.

3. کومه‌له و جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی

با تحولات کردستان که بیش از گذشته به سوی جامعه‌ای مدرن‌تر و امروزی‌تر گام نهاده است، جنبش‌های اجتماعی در عرصه‌های گوناگون به واقعیتی مسلم تبدیل شده‌اند. وجود و



رشد جنبش‌های مدنی و اجتماعی چشم‌انداز پررونق‌تری را نوید می‌دهد. این پدیده که حتی در سال ۵۷ چندان امکان بروز و شکل‌گیری نیافته بود، رفته رفته بخش مهمی از حیات سیاسی کردستان را به خود اختصاص داده است.

جنبش کارگران و حرکت‌های اعتراضی و پدیدارشدن شماری به عنوان فعالین کارگری، جنبش اجتماعی کارگران را گامی به پیش برده است.

جنبش زنان بخش وسیعی از زنان تحصیلکرده و آزادی‌خواه را به صحنه مبارزه برای رهایی کشانده است. حضور زنان مبارز در عرصه سراسری و حتی جهانی به جنبش زنان کورد دامنه، قدرت و ظرفیت فزونتری بخشیده است.

جنبش دانشجویان کورد و حضور موثر آنان در مبارزات دانشجویی در دانشگاه‌های ایران، وجود و پاگرفتن ده‌ها نشریه، گاهنامه، وبلاگ و..... توسط آنان، خود به جنبشی نوین مبدل گردیده است.

جنبش‌های مدنی در "ان جی او"ها، تشکل‌های ادبی، انجمن‌های محیط زیست، دفاع از حقوق بشر و زندانیان سیاسی و حضور جوانان و تبلور یافته است.

این جنبش‌های اجتماعی جامعه کردستان را سازمان‌یافته‌تر، مدرن‌تر، سیاسی‌تر و پیچیده‌تر ساخته است.

غنا بخشیدن و مشارکت در سازمان‌دادن این جنبش‌ها از اساسی‌ترین وظایف کومه‌له در کردستان است. رسالت کادرها، فعالین و اعضای کومه‌له در کردستان همکاری، تقویت و گسترش این جنبش‌هاست.



عدم تبدیل این جنبش‌ها به تریبون تبلیغات حزبی و به رسمیت شناختن استقلال آنان.

جنبش‌های اجتماعی در کردستان که تحت تاثیر جنبش ملی و سیاسی عمومی هستند، نیاز به همکاری، هماهنگی و پیوند مبارزاتی مشترکی دارند. جنبش‌های اجتماعی می‌توانند سیمای جنبش ملی را بیش از پیش مدرن‌تر و دمکراتیک‌تر کنند.

کومه‌له خود را حزب جنبش‌های اجتماعی می‌داند و اساساً توان و وزن سیاسی خود را در گسترش این جنبش‌ها می‌بیند.

سیاست ما در قبال مبارزات کارگری کردستان

در کردستان پس از بهمن ۵۷ شاهد مبارزات کارگری و تشکل‌های کارگری و فعالین آن هستیم. هرچند پیدایش آنان به پس از دوره اصلاحات ارضی در ایران برمیگردد و در ادبیات آن دوره منعکس شده است. اما حمله رژیم به کردستان و شکل گرفتن مقاومت مردمی علیه آن و برپایی جنبش مسلحانه تمام اشکال دیگر مبارزه منجمله مبارزات کارگری را تحت تاثیر خود قرار داد.

اکنون مبارزات کارگری در کردستان به صورت پراکنده در مناطقی از کردستان وجود دارد. برنامه استراتژیک رژیم‌های حاکم در ایران و به ویژه در سه دهه‌ی اخیر توسط جمهوری اسلامی برای غیرصنعتی نگه‌داشتن کردستان و ممانعت از اجرای هر پروژه و سرمایه‌گذاری کلان، ضربات بلاواسطه‌ی را بر شکل‌گیری و قوام جنبش کارگران کردستان به عنوان



یک طبقه برجایی گذاشته است. اگرچه گسترش ارتباطات و صعود مجدد جنبش سندیکایی در ایران به برجستگی مبارزات کارگری در کردستان یاری رسانده است، اما این مبارزات هنوز نیاز به قوام گرفتن درونی خود و رهبران کارآمد و سراسری در کردستان دارد. شناخت درست مراحل مبارزه کارگری و موقعیت و وزن اجتماعی و سیاسی کارگران در کردستان در هدایت مبارزات کارگری برای کسب مطالبات روزانه و تثبیت حقوق انسانی خود نقش تعیین کننده‌ای دارد.

کومه‌له حزب سازمانده، پشتیبان و مدافع مبارزات کارگران کردستان است. برای سازمان‌یابی وسیع و تقویت وزن جنبش کارگری در توازن سیاسی و اجتماعی جامعه کردستان تلاش می‌کند. حضور فعالانه و مشارکت در مبارزات کارگری و حمایت از تلاش فعالین برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری از وظایف تعطیل‌ناپذیر ماست.

کومه‌له و جنبش زنان

با دگرگونی‌های عمیق اجتماعی در کردستان، موقعیت زن در این جامعه علی‌رغم حاکمیت رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی، به سطحی بالاتر، اجتماعی‌تر، سیاسی‌تر و وزین‌تری چه در جنبش ملی دموکراتیک کردستان و چه در درون احزاب ارتقا یافته است. در بهمن ۵۷ موقعیت سیاسی و اجتماعی زن به سرعت تغییر کرد. کومه‌له در کردستان بیش از هر جریان سیاسی دیگری به حزب رهایی زنان و حزب مدافع حقوق زنان شناخته



شد. حضور وسیع زنان در فردای تحولات سیاسی بهمن ماه ۵۷ در کردستان و سپس مشارکت وسیع و قهرمانانه این نسل در این جنبش و به ویژه در صفوف کومه‌له، به جنبش کردستان جلوه‌های انسانی‌تر و برابری طلبانه‌تری داد. زنان در کردستان در سنگرهای مقاومت مسلحانه، در زندان‌ها و میادین اعدام و در راهپیمایی‌ها و تشکل‌های نوینی که پدیدار می‌شدند، درخشیدند و برای همیشه برگی پرافتخار به تاریخ این ملت افزودند. اکنون زنان به مراتب خواهان موقعیت بهتر و با ثبات‌تری هستند. حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و ادبی و در درون تشکل‌های خودجوش و خودساخته و مستقل در کردستان به این پدیده‌ها غنا بخشیده است. پدیدارشدن چهره‌های گوناگون ادبی، سیاسی، اجتماعی و علمی زنان در کردستان و چشم‌انداز گسترش آن، به موقعیت زنان در این جامعه در شرایط کنونی و در آینده وزن سنگین تری خواهد داد. حضور نسلی از زنان مبارز کردستان در مبارزات سراسر زنان در ایران و همچنین در ابعادی بین‌المللی نشان از آن دارد که جنبش فمینیستی و برابری طلبانه زنان در کردستان گسترده‌تر و نیرومندتر شده‌است. این شرایط برای کومه‌له فرصت‌های نوینی خلق می‌کند که با توان و ظرفیت و اعتماد به نفس بیشتری به اندیشه‌های برابری طلبانه و انسانی و مترقی دامن بزند. کومه‌له جنبش زنان در کردستان را بخشی از جنبش‌های اجتماعی می‌داند که در دوره کنونی امکان نشو و نما یافته‌اند. کومه‌له از این جنبش به تمامی حمایت می‌کند و شکوفایی جنبش زنان نشان‌گویایی از درستی سیاست و جهت‌گیری کومه‌له در



تحولات سال ۵۷ و متعاقب آن در کردستان است. خوشبختانه این فرهنگ در کردستان روز به روز رو به گسترش است. زنان عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و علمی نوینی را تسخیر می‌کنند و در میان احزاب و در رهبری سیاسی آنان از موقعیت مناسبتری برخوردارند. بر تارک جنبش کنونی زنان در کردستان، بیش از دو دهه پایداری زنان مبارز و چپ و سوسیالیست کردستان که بخش اعظم آنان در صفوف کومه‌له جنگیدند، در زندان‌ها، در تشکیلات‌های مخفی و در صفوف پیشمرگان کومه‌له می‌درخشد.

ما خواهان برابری زن و مرد در همه عرصه‌ها و شئون اجتماعی، کاری، سیاسی و خانواده هستیم. ما خود را پشتیبان و مدافع جنبش زنان برای تأمین حقوق یکسان با مردان می‌دانیم و در تقویت این مبارزه می‌کوشیم. هر نوع تبعیض و آپارتاید قانونی و شرعی جمهوری اسلامی علیه زنان غیرانسانی است و باید ملغی گردد.

ما خواهان برقراری مکانیسم "تبعیض مثبت" بر مردان به سود زنان جهت رفع نابرابری‌ها هستیم.

۴. کومه‌له و استراتژی سوسیالیستی و گسترش دمکراسی (سوسیالیسم دمکراتیک)

کومه‌له حزب چپ و سوسیالیستی مردم کردستان است که برای رهایی از استثمار و بردگی انسان به دست انسان پیکار می‌کند.



پی‌ریزی ارزش‌های سوسیالیسم دموکراتیک و تلاش برای تحقق آن را از وظایف اصلی خود می‌داند.

هدف نهایی ما مشارکت در برقراری سوسیالیسمی مبتنی بر دموکراسی، عادلانه و سرشار از همبستگی و هم‌زیستی و برادری میان انسان‌ها و ایجاد رفاه در زندگی آنان است.

توازن نیرو و اوضاع سیاسی منطقه و همچنین واقعیات نشان می‌دهند که کردستان ایران در آستانه تحول سوسیالیستی و یا رهایی یافتن از چنگ کلیه آثار منفی سرمایه‌داری قرار ندارد. کومه‌له با درک این مهم در شرایط کنونی می‌تواند اولویت‌های جریان سوسیالیستی را باز تعریف کرده و اجازه ندهد بار دیگر وعده بهشت موعود، کومه‌له را از پرداختن به مسائل واقعی و حقیقی و کنونی جامعه‌اش غافل سازد. ما با تاکید بر اصلاحات عمیق اقتصادی و سیاسی برای عدالت و برابری اجتماعی می‌کوشیم.

ما به عنوان یک حزب کردستانی چپ و سوسیالیست خود را دوست و متحد و هم‌پیمان جریانات سوسیالیست و عدالت‌خواه سایر ملل در ایران و جهان می‌دانیم. کومه‌له از هر جنبش حق‌طلبانه در جهان برای رسیدن به حق خویش پشتیبانی و حمایت می‌کند و در پی آن است که با این جنبش‌ها تماس گرفته و با آنان رابطه برقرار کرده و از تجربیات و اندوخته‌های آنان برای تقویت جنبش کردستان در سطح داخلی و بین‌المللی بهره گیرد.

کومه‌له در کردستان مبارزه برای رهایی از ستم ملی تا ایجاد دولت مستقل ملی را حق مسلم این مردم می‌داند و وظیفه خود



می‌داند برای به پیروزی رساندن این مبارزه عادلانه برنامه‌ریزی نموده و مجدانه تلاش نماید. ما می‌کوشیم فرهنگ حق‌تعمین سرنوشت را چه در میان مردم کردستان و چه در میان دیگر خلق‌های ایران رواج دهیم و این اصل دمکراتیک و برابری طلبانه در مورد مسئله ملی را به فرهنگی همگانی تبدیل نماییم. از نظر ما کردستان ایران در شرایط کنونی نه فقط در آستانه ایجاد یک آلترناتیو و حاکمیت سوسیالیستی قرار ندارد بلکه سرکوبگری ده‌ها ساله و ممانعت از پیش‌بردن پروژه‌های کلان اقتصادی و چپاول و غارت سرمایه‌های طبیعی و معادن کردستان این جامعه را همواره در مرحله عقب‌مانده‌تری به لحاظ اقتصادی نگه داشته است. به زبان دیگر، لغو مالکیت، رقابت و کلا اقتصاد سرمایه‌داری نمی‌تواند در دستور کار امروزه و فوری ما قرار گیرد. در شرایط کنونی ما می‌توانیم و ضروری است که بر اصلاحات عمیق اقتصادی پافشاری نموده و بر زمینه‌های پیشرفت اقتصادی و مناسبات تولیدی عادلانه‌تری تاکید کنیم تا امکان سازمانیابی دمکراتیک و گسترده‌تر مردم، کارگران و همه استشارشدگان را مهیا سازیم.

هماهنگی، دوستی و همکاری با دیگر جریان‌ات چپ، دمکرات و آزادی‌خواه در دیگر بخش‌های کردستان را امر خود می‌دانیم. همچنین همه نیروهای ترقی‌خواه، سوسیالیست و دمکرات در ایران، خاورمیانه و جهان را متحدان خود دانسته و از مبارزات‌شان برای ایجاد عدالت و دمکراسی پشتیبانی و حمایت می‌کنیم و به ویژه در خاورمیانه که در شرف تحولات جدی قرار دارد همگامی با نیروهای چپ و دمکرات به یک ضرورت



امروزی نیز تبدیل شده است.

پلورالیسم سوسیالیستی

تفاوت در دیدگاه‌های نظری و فکری میان شاخه‌های گوناگون سوسیالیستی و دیدگاه‌های سیاسی یک واقعیت است. پلمیک و دیالوگ سازنده می‌تواند به ادبیات سوسیالیستی غنا بخشیده و آنان را در مبارزه عینی و اجتماعی به هم نزدیک سازد. در کردستان نیز اکنون وجود شاخه‌های گوناگونی که ادعای چپ و سوسیالیستی دارند یک واقعیت است. این که یک جریان نمایندگی کل جریان چپ را کسب کند، به گذشته تعلق دارد. دادن مدال چپ به خود و دیگران را به ضدیت با "کارگر و کمونیسم" متهم کردن، در جریان سوسیالیستی و چپ در کردستان جز پراکندگی سرمایه‌های انسانی چنین جنبشی و جز دامن زدن به خصومت و دشمنی و انزوای اجتماعی جریان چپ نتیجه دیگری نداشته است.

ما معتقد به پلورالیسم سوسیالیستی و همکاری میان شاخه‌های مختلف چپ و سوسیالیسم در کردستان هستیم. ضروری است که دیالوگی متفاوت از گذشته در میان جریان‌های مدعی چپ و سوسیالیسم برقرار گردد. "ایسم"هایی که در فرهنگ چپ سنتی پشت سرهم ردیف می‌شوند تا مخالفانشان را به آن متهم کنند، باید دور افکنده شود و به دیالوگی متمدنانه و مسئولانه دامن زد. دیرهنگامی است که اتهام ضدیت با کارگر و کمونیسم به ابزار حذف مخالفین تبدیل شده است که متأسفانه تاریخ چپ



در ایران و در کردستان و به ویژه در دوره متاخر کنونی مملو از آن است. بلوغ فکری و نظری و تحکیم پایگاه اجتماعی چپ در کردستان از مسیر تلاش مشترک نظری و دیالوگ سازنده ممکن است. دوره آتی، چپ با نقد عمیق و گسست قطعی از این به اصطلاح پلیمیک رایج می‌تواند زمینه‌های کارمشترک را فراهم سازد.

در صحنه سیاسی ایران

کومه‌له همانند هر حزب و جریان چپ و انقلابی و دمکرات، برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام جمهوری دمکراتیک، فدراتیو و پلورالیستی در ایران مبارزه می‌کند. کومه‌له به حمایت و شرکت فعالانه از مبارزات آزادیخواهی علیه رژیم اسلامی کماکان ادامه خواهد داد. از هر حرکت و مبارزه توده‌های مردم و جنبش‌های اجتماعی، کارگران، زنان، خلق‌های تحت‌ستم، روشنفکران، دانشجویان، اقلیت‌های اجتماعی و جوانان پشتیبانی کرده و برای تقویت جنبش آنان تلاش خواهد کرد. کومه‌له به عنوان یک جریان چپ و سوسیالیستی به سرنوشت جریان چپ در ایران علاقمند است و خواهان بیشترین همکاری و هماهنگی با آنان خواهد بود. اگرچه کومه‌له در یک حزب سیاسی سراسری شرکت نخواهد کرد اما تقویت جریان دمکرات و سوسیالیستی در ایران را جزیی از وظایف خود می‌داند و حضور فعال سیاسی در معادلات سیاسی ایران را امر خود می‌داند.



ما در ایران برای تقویت مبارزات سراسری علیه جمهوری اسلامی، معتقد به تشکیل جبهه دمکراتیک مردمی هستیم. گردآمدن وسیع‌ترین نیروهای طرفدار سرنگونی می‌تواند به جنبش سراسری توان و ظرفیت‌های نوینی ببخشد. در این میان تقویت جنبش‌های اجتماعی دمکراسی خواهی، کارگران، زنان، خلق‌های تحت ستم و دانشجویان و روشنفکران بخشی از وظایف کومه‌له خواهد بود.

کومه‌له هم‌چنین ورود به هر ائتلاف سراسری در ایران را مشروط بر به رسمیت شناختن حقوق ملی مردم کردستان و دفاع از مبارزات دمکراتیک و آزادی‌خواهانه آنان می‌داند.

جنبش کارگری ایران

حاکمیت ضدکارگری و ضد مردمی جمهوری اسلامی، با سرکوب کارگران، بازپس‌گیری دستاوردهای قیام بهمن، تحمیل یک قانون کار ضدکارگری، دستگیری‌های وسیع رهبران کارگران و شکنجه و اعدام آنان، حمله به اجتماعات کارگری، ممانعت از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و تحمیل دشوارترین زندگی بر خانواده‌های کارگری ممکن گردیده است. اما جنبش کارگری ایران با گذشت زمان بیش از پیش به جنبش بلوغ یافته مستقل کارگری تبدیل شده است.

طی سال‌های اخیر خیزش مجدد جنبش سندیکایی در ایران با فعالیت مجدد سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه و همچنین سندیکای کارگران نیشکرهفت‌تپه، اوج و توان نوینی



یافته است. شناختن ظرفیت و پتانسیل واقعی جنبش کارگری و قراردادن آن در جایگاه مبارزات سراسری سرنگونی خواهی در ایران شرط لازم اتخاذ تاکتیک صحیح سیاسی است. متأسفانه در دو دهه گذشته شاهد بوده‌ایم که از سوی بخشی از جریان‌های چپ، جنبش کارگری به عنوان ابزاری در مجادلات درونی احزاب درآمد و توان، ظرفیت و جایگاه واقعی جنبش کارگری در نظر گرفته نشده است.

کومه‌له زحمتکشان کردستان از جنبش کارگری ایران و جنبش سندیکایی آنان، از مطالبات کارگران برای افزایش دستمزد و حق تشکیل سندیکا و اتحادیه و هرگونه تشکل کارگری حمایت می‌کند. کومه‌له در عین حال در پی آن خواهد بود که رابطه مستقیمی با این جنبش و رهبران آن در رشته‌های گوناگون برقرار نماید. ایجاد، تقویت و تحکیم پیوند مبارزاتی میان جنبش کردستان و جنبش کارگری را وظیفه خود می‌دانیم و در عین حال معتقدیم که ضروری است که کارگران و جنبش کارگری به دفاع از خواست‌های ملی کردستان برخیزند.



بخش دوم:

دیدگاه کومه‌له در قبال مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی

۱. ارزش‌ها و مبانی نظام دموکراتیک

کومه‌له زحمتکش‌ان کردستان عمیقاً به ارزش‌های دموکراتیک پایبند است و برای تحقق یک نظام دموکراتیک مبارزه می‌کند. مبارزه با استبداد در هر شکل و ایدئولوژی و توجیهی باید در صدر الویت‌های کار ما در کردستان قرار گیرد. فرهنگ سازی دموکراتیک، احترام به حقوق فردی و آزادی‌های مدنی و پرورش نگاه دموکراتیک از هم‌اکنون در مناسبات خانوادگی و در اجتماع و در هر تشکلی مستلزم کار مداوم است. به ویژه این که در سه دهه گذشته جمهوری اسلامی با تمام توان مادی



و معنوی خود پایمال کردن حقوق و آزادی‌های فردی را دامن زده و به طور سیستماتیک ابتکارات فردی و خلاقیت و شور و استعدادها را درهم شکسته و سرکوب کرده است. فرهنگ سازی دموکراتیک اعتماد به نفس را بالا می‌برد و ارزش‌های انسانی را رواج می‌دهد.

کومه‌له اصول شناخته شده نظام دموکراتیک را به عنوان شرط لازم استقرار دموکراسی و بنیاد گذاشتن چنین نظامی، مورد حمایت قرار داده و برای آن در جامعه کردستان مبارزه می‌کند. این اصول عبارتند از:

1. نظام سیاسی کردستان ایران یک جمهوری دموکراتیک پارلمانی مبتنی بر دولت قانونمدار و رفاه خواهد بود.
2. این حاکمیت ایالتی از قانون اساسی خود برخوردار خواهد بود.
3. قوای مقننه و اجرائیه و قضائیه از هم تفکیک خواهند بود.
4. نظام چندحزبی و پلورالیسم سیاسی بنیاد ساختار سیاسی کردستان را تشکیل خواهد داد. تبعیت اقلیت از اکثریت و آزادی کامل فعالیت سیاسی برای اقلیت و اپوزیسیون در جامعه تضمین خواهد گردید.
5. حق رای همگانی، برابر و مخفی برای تمام افراد (زن و مرد) بالاتر از 16 سال و حق انتخاب شدن در هر نهاد و ارگان ملی - منطقه‌ای و سراسری.
6. نظام انتخاباتی نسبیته خواهد بود و اقلیتهای ملی در کردستان نیز در اداره سیاسی کردستان سهیم خواهند شد. انتخابات عمومی و سراسری و منطقه‌ای در یک پیوند زمانی



- مشخص انجام خواهد پذیرفت. محدودیت زمانی برای هر دولت انتخابی در نظر گرفته خواهد شد. پریود زمانی معین برای هر دولت و هر انتخاباتی باید در قانون اساسی به روشنی بیان گردد. این پریود زمانی مناسب از نظر ما ۴ سال خواهد بود.
7. صیانت از اقلیت‌ها و حقوق شهروندی شهروندان غیر کرد در کردستان تضمین خواهند شد.
8. در خود محدوده کردستان نیز فدرالیسم و تمرکززدایی در پیش گرفته خواهد شد و هر واحد منطقه‌ای نیز از دستگاه‌های اجرایی خود برخوردار خواهد بود. شهرها از شورا (پارلمان) خود برخوردار خواهند گردید. ارگان‌های فدرال هم در یک منطقه معین متمرکز نخواهد شد و به ویژه به شهرهای کوچک و مناطق محروم انتقال داده خواهند شد.
9. آزادی‌های سیاسی، آزادی بیان، اجتماعات، آزادی ایجاد تشکل سیاسی و صنفی، آزادی چاپ و نشر، آزادی احزاب، آزادی مذاهب، برپایی آزادانه سمینارها و کنفرانس‌های سیاسی و اجتماعی، آزادی تغییر مکان و اشتغال، بخشی از مبارزات ما را برای رسیدن به جامعه‌ای آزاد و دمکراتیک تشکیل می‌دهد.
10. برابری کامل زن و مرد در کلیه شئون خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در پیش گرفته خواهد شد. تمام قوانین قضایی زن‌ستیزانه کنونی برچیده خواهند شد و برابری کامل زنان و مردان برای نمونه در امور ازدواج، طلاق، حق حضانت فرزندان، میراث، مجازات برقرار خواهد گردید.
11. برابری حقوقی کلیه شهروندان مستقل از نژاد، ملیت، مرام و عقیده، اعتقاد به مذهب یا عدم اعتقاد به هیچ



مذهبی، جنسیت، رنگ پوست و غیره تأمین خواهد گردید.
 12. سکولاریسم و جدایی کامل دین از دولت یکی از ستون‌های اصلی نظام سیاسی ایالت فدرال کردستان را تشکیل خواهد داد.

13. حفظ محیط زیست و سیاست‌گذاری بر اساس آن یکی دیگر از مؤلفه‌های سیاست در کردستان خواهد بود.

کوتاه سخن: جمهوریت، فدرالیسم، دموکراسی، سکولاریسم، دولت رفاه، دولت قانون، تفکیک قوا، حق تعیین سرنوشت ملی مردم کردستان، تضمین حقوق اقلیت‌های ملی و حقوق شهروندی همه ساکنان مردم کردستان اصلی‌ترین بنیادهای نظام سیاسی ایالتی کردستان ایران خواهند بود.

2. در باره بیانیه جهانی حقوق بشر

کومه‌له حامی و پشتیبان جنبش حقوق بشر است و التزام خود را از بیانیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد. در کردستان به ویژه شکوفایی فرهنگی، رشد ارزش‌های انسانی و دموکراتیک و عدالت‌خواهانه از مسیر تأمین و احترام به حقوق فردی تک تک آحاد اجتماع می‌گذرد. در دو دهه اخیر بالا رفتن توقعات برای دستیابی به حقوق و آزادی‌های فردی و تلاش برای کسب هویت و اعتبار فردی در اجتماع به رشد و شکوفایی جامعه کردستان وسیعاً یاری رسانده است. لذا کومه‌له بیانیه حقوق بشر و ضمائم و ملحقات آن را پذیرفته و برای پیشبرد آن تلاش می‌کند.



تامین بهداشت عمومی، مسکن، آزادی بیان، آزادی مذهب، تامین کار و برخورداری از همه امکانات زندگی و رفاه اجتماعی حق هر شهروندی است. تامین آزادی‌های فردی و تلاش برای تدارک نیازهای زندگی هر شهروند یکی از مبانی سیاسی و استراتژی کومه‌له است.

3. در باره رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم ضد‌مردمی و ضد‌آزادی است که با حاکمیت یک استبداد مذهبی و پلیسی مانع اساسی برای بنیاد نهادن جامعه‌ای دموکراتیک و سکولار است. این رژیم در میان تنفر و بیزاری وسیع مردم و در میان انزوای بین‌المللی با خشن‌ترین و بیرحمانه‌ترین سیستم پلیسی و دیکتاتوری مذهبی به حاکمیت خود ادامه می‌دهد.

پی‌آمدهای حاکمیت رژیم اسلامی در تاروپود این جامعه و به طرز نگران‌کننده‌ای برای نسل‌های آینده خود را نشان داده است. اقتصادی ویران و مصرفی که در آن تولید و شکوفایی ملی و کاریابی و رشد صنعت مفهوم واقعی خود را از دست داده‌اند و بیکاری و سقوط مراکز تولیدی یکی پس از دیگری ارمغان جمهوری اسلامی است. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به ورطه انحطاط اخلاقی و اجتماعی و سیاسی کشیده شده است. این رژیم تداوم خود را در ناامنی، دلهره و اضطراب دائمی اکثریت عظیم مردم می‌داند.

کارگران، زنان، ملل تحت‌ستم، دانشجویان، روشنفکران و جوانان،



تحت حاکمیت این نظام در نبرد و پیکار دائمی بسر می برند. هر گام از پیشروی حاصل مبارزاتی سخت و خونین و از جان و مال گذشتن مبارزان است.

در عرصه بین‌المللی جمهوری اسلامی به رژیم ضد زن، پائمالگر حقوق بشر و حامی تروریسم و تقویت کننده دستجات مزدور و مسلح برای گسترش ناامنی در منطقه، جهان و نهایتاً معامله و سودا با آنان شناخته شده است.

حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از پیش سایه فقر، بیکاری، ناامنی، نابسامانی اجتماعی و همچنین سایه جنگ را گسترانیده است.

جمهوری اسلامی مانع اساسی رشد و شکوفایی و آزادی و امنیت اجتماعی در ایران و منطقه است. برچیدن این نظام مستبد مذهبی و دیکتاتوری، شرط گشایش واقعی در زندگی مردم است.

کومه‌له در تلاش است تا با هماهنگی با همه‌ی نیروهای چپ و دمکرات مبارزات سراسری را در ایران تقویت، هماهنگ و متحد کرده و در مسیر سرنگونی نهایی این رژیم هدایت کند.

۴. کومه‌له و مسئله مذهب

کردستان جامعه‌ایست که در آن اعتقاد به دمکراسی، صلح، انسان‌دوستی و آزادی و مقاومت در برابر زورگویی ریشه‌های بسیار عمیقی دارد.

کومه‌له همگام با این ریشه‌های اصیل در کردستان اعلام



می‌کند که حزبی آزادی‌خواه، سکولار و طرفدار وسیع‌ترین نوع دموکراسی است. ما خواهان جدایی کامل دین از دولت هستیم. اعتقاد به دین یا عدم اعتقاد به آن امر خصوصی انسان‌هاست. اختیار یا عدم اختیار هردینی برای هرفردی آزاد است. دولت فدرال کردستان به هیچ مذهب مشخصی کمک نمی‌کند. له یا علیه هیچ دینی به نفع مذهب یا دین خاصی حق استفاده از ابزار و امکانات دولتی اعطا نمی‌کند.

آموزش به نفع یا علیه مذهب و دین خاصی از سیستم آموزشی حذف می‌گردد. دولت فدرال کردستان باید در این مورد کاملاً سکولار عمل کند. آموزش و ترویج مذهب امر نهادها و مراکز مذهبی در جامعه است. همانطور که تبلیغ و ترویج لامذهبی نیز نه امر دولت، بلکه امر نهادهایی است که به این منظور در جامعه شکل می‌گیرند. نهادهای مذهبی و غیرمذهبی تنها از کمک مالی هواداران و هواخواهانشان بهره می‌برند و حق اجرائیات در جامعه به نفع خود را ندارند.

۵. در باره اعتیاد و مواد مخدر

دو میلیون معتاد حرفه‌ای و سه و نیم میلیون مصرف‌کننده غیرحرفه‌ای مواد مخدر جامعه معتادین ایران را تشکیل می‌دهند. کردستان سهم فاجعه‌باری از این آمار را به خود اختصاص داده است.

تشویق پدیده اعتیاد در کردستان یکی از ترفندهای حکومت اسلامی است که از طریق آن به خنثی‌سازی پتانسیل و ظرفیت



عظیم مبارزاتی مردم کردستان دست زده است. نهادهای امنیتی رژیم در کردستان مسئول اجرا و پیشبرد این سیاست ویرانگر در کردستان هستند. سران رژیم خود از گسترش نقشه‌مند اعتیاد پرده برداشته‌اند. استاندار کردستان در دهه‌ی 70 شمسی که اکنون در بیت رهبری سمت مشاوره‌ی مورد اعتماد را داراست، با اعلام این که "من موفق شدم اسلحه را از دست جوان کورد در آورم و زوروق را جانشین آن سازم" سیاست شوم و ویرانگر حاکمیت اسلامی را در کردستان برملا کرد. اکنون نزدیک به دو دهه از این پروژه می‌گذرد. پروژه‌ای که از یک طرف اضمحلال و شکست جنبش کردستان، فرونشاندن شور، رزمندگی و آزادی را نشانه رفته است و از سوی دیگر انحطاط اخلاقی، روحی و فروپاشی خانواده‌ها را مد نظر دارد. کومه‌له پروژه شوم و گسترده اعتیاد و مواد مخدر را که توسط جمهوری اسلامی و نقشه‌مند و سیستماتیک در کردستان پیش برده می‌شود، یکی از موانع مهم بر سر راه جنبش‌رهایی ملی و آن را یک لشکرکشی دیگر رژیم علیه مردم کردستان و جنبش آن می‌داند. با تمام توان خود با آن به مقابله برخاسته و تلاش خواهد کرد که علیه این پدیده ویرانگر و این سیاست ضد‌مردمی رژیم و عوارض و عواقب گسترش اعتیاد، ابتکارات مردمی را در کردستان تقویت کند. هم‌اکنون در اغلب شهرهای کردستان حرکت‌های خودجوش و تشکلهای گوناگون برای ممانعت از گسترش اعتیاد به وجود آمده است، تشکیلاتهای کومه‌له در سرتاسر کردستان این تشکلهای را تقویت و بخشی از کار و وظایف خود را برای برانگیختن حرکت مردمی علیه



شبکه‌های پخش مواد مخدر که منشأ همه آنان به عوامل و مراکز به ویژه امنیتی رژیم برمی گردد، اختصاص خواهند داد.

۶. در مخالفت با جنگ و سلاح‌های کشتار جمعی

تداوم جنگ‌ها در گوشه و کنار جهان، لشکرکشی‌های نظامی به کشورهای مختلف تحت هربهانه‌ای و تلاش‌های این کشور و آن کشور برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی، یکی از معضلات پیچیده و مشکل‌آفرین در جهان کنونی است که ناامنی، جنگ، کشتار، آوارگی و بی‌خانمانی مردمان را تداوم می‌بخشد. کومه‌له از خواست جامعه جهانی و افکار عمومی برای پایان دادن به جنگ، لشکرکشی نظامی و تولید سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی حمایت می‌کند. خلق کورد در هر چهار بخش آن در قرن گذشته بیشترین لطمه را از جنگ و لشکرکشی نظامی و سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی دیده است. بنابراین برای ملتی که خود قربانی جنگ، بمباران شیمیایی و سلاح‌های کشتار جمعی است، خواست پایان دادن به تولید سلاح‌های کشتار جمعی یک خواست واقعی می‌باشد.

ما از جنبش خلق سلاح عمومی اتمی و سلاح‌های کشتار جمعی دفاع می‌کنیم تا برای همیشه خطر جنگ اتمی و کشتار جمعی از سر جهانیان برداشته شود.

۷. در باره حقوق و کار کودکان



طی حاکمیت جمهوری اسلامی کار و استثمار کودکان ابعادی گسترده و به شدت غیرانسانی به خود گرفته است. وجود ده‌ها هزار کودک در رشته‌های کاری که حتی برای بزرگسالان طاقت فرساست، نشان از استثمار شدیدی دارد که آینده نسل نوین را به مخاطره انداخته است. افزایش کودکان کار که بر ابعاد آن مدام افزوده می‌شود، نشان از وضعیت وخیم خانواده‌های کارگری و زحمتکش دارد که طی حاکمیت جمهوری اسلامی فقر، بیکاری و ناملایمات درونی آنان ابعادی هولناک و نگران‌کننده یافته است.

این وضعیت پدیده کودکان خیابانی را بدنبال داشته که در اغلب شهرهای بزرگ ایران موج می‌زند و هر روزه گسترش می‌یابد. پدیده کودکان خیابانی به طرز برجسته‌ای حاکمیت ضدکارگری و ضدانسانی جمهوری اسلامی را در خود منعکس می‌کند. وجود ده‌ها هزار کودک خیابانی که روزانه در خیابان‌ها و میادین کار و خرابه‌ها و ویرانه‌ها سرگردانند و شبانه طعمگان باندهای گوناگون می‌شوند، ماهیت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

مقابله با این وضعیت و مقابله با کار کودکان لازم است از همین امروز در دستور کار همه نهادها و تشکلهای و احزاب سیاسی قرار گیرد. لذا ما خواهان آنیم که:

- الف) کار کودکان زیر ۱۶ سال ممنوع اعلام گردد.
- ب) پرورشگاه برای کودکان بی‌سرپرست دایر گردد.
- ج) حکومت فدرال کردستان کودکان خیابانی را تحت سرپرستی خود گیرد و آموزش و تحصیل آنان را عهده‌دار شود.



د) ما بیانیه جهانی حقوق کودکان را پذیرفته و برای اجرای آن در کردستان تلاش می‌کنیم.

8. تحصیل و آموزش اجباری و رایگان

- مسئله تحصیل و آموزش زیربنای ساختمان جامعه‌ی آینده است. لذا از نظر ما:
- 1- تا سن 1۶ سالگی تحصیل و آموزش برای همگان اجباری و رایگان است.
 - 2- برای رفع تبعیض در آموزش و تحصیل مدارس انتفاعی باید برچیده شود.
 - 3- هزینه تهیه کتاب و مواد درسی به عهده دولت باشد. شهریه‌های سنگین در مدارس و دانشگاه‌های دولتی برداشته شود.

9. درباره تأمین اجتماعی سالخوردگان و ...

در کردستان شرایط زیست سالخوردگان و از کارافتادگان و معلولین و کسانی که در اثر سوانح گوناگون دچار نقص عضو شده‌اند، فوق‌العاده دشوار، طاقت‌فرسا و جانکاه است. اگرچه در سال‌های اخیر تلاش‌های انسانی قابل تحسینی از سوی برخی تشکل‌های خودجوش و مستقل و مختص به این اقشار صورت گرفته است، اما تا رسیدن به فراهم ساختن امکانات زیستی و رفاه برای آنان راه درازی در پیش است.



کومه‌له از این تشکل‌ها و از تلاش‌های ارزنده آنان حمایت کرده و در راه تقویت و گسترش و پرامکان ساختن آنان همه امکانات تشکیلات‌هایش را در سراسر کردستان به کارخواهد انداخت. این وظیفه‌ای مهم بر دوش همه‌ی فعالین مدنی و اجتماعی و سیاسی است. حضور در این تشکل‌ها و به عهده‌گرفتن وظایف اختیاری و کار داوطلبانه در مراکز مخصوص این اقشار برای کمک به ایجاد شرایط زیستی مساعدتر، بخش جدایی ناپذیری از وظایف هر کسی است که در راستای اندیشه جامعه‌ای انسانی پیکار و تلاش می‌کند.

تامین حقوق اجتماعی سالخوردگان و معلولین و نقض‌عضوها باید به روشنی تعریف گردد و از هم اکنون برای تامین هر درجه و هر سطح از آن تلاش کرد. ما خواهان ایجاد خانه سالمندان، معلولین و از کارافتادگان هستیم. همه‌ی خدمات بهداشتی و مراقبت از آنها به عهده دولت است.

10. در ضرورت لغو حکم اعدام

مجازات اعدام باید از اساس لغو گردد. اجرای چنین احکامی نه تنها در کاستن از جرائم تاثیر جدی ندارد بلکه همچون پدیده‌ای ماقبل تمدن باید از جامعه بشری زدوده شود. کومه‌له از لغو مجازات اعدام حمایت می‌کند. راه چاره کاستن از جرائم و یا قطع ریشه‌ای آن در دگرگونی اساسی در جامعه، زدودن فقر، تامین نیازمندی‌های بشر امروزی و گسترش



دمکراسی و آزادی نهفته است.

ملت کرد در خاورمیانه بیش از هر ملت دیگری با مجازات وحشیانه اعدام و شیوه‌های ترسناک و بسیار ضدانسانی روبرو بوده است..

لغو مجازات اعدام برای ملتی که ده‌ها هزار تن از مبارزینش را با این شیوه مجازات از دست داده است، یک خواست واقعی است. باید حس انتقام جویی را به تمامی از بین برد و اجازه داده نشود که این زخم‌ها کماکان باقی بمانند.

11. در مخالفت با مجازات در ملأ عام

طی سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، مجازات در ملأ عام به یکی از قبیح‌ترین ابزار حاکمیت این رژیم تبدیل شده است. رژیم اسلامی طی این سه دهه از حربه مجازات در ملأ عام برای انحطاط و فروپاشی ارزش‌های انسانی با صرف هزینه‌ای گزاف، به شدت بهره گرفته است. نوع بشر در جمهوری اسلامی ذاتاً گناهگار است و آنانی را که رژیم برای میادین مجازات علنی گرد می‌آورد نیز گناهکارانی هستند که باید درس عبرت بگیرند. نتایج و تأثیرات و عوارض مجازات در ملأ عام برای سال‌ها بعد از فروپاشی این رژیم کماکان باقی خواهد ماند.

لغو مجازات در ملأ عام را باید به یک خواست محوری و شعار هر تجمع و مبارزه‌ای در سرتاسر ایران تبدیل کرد. قصاص، مجازات‌های بدنی، قطع اعضا، سنگسار و دیگر مجازات‌های وحشیانه باید برای همیشه ملغی گردد.



12. در باره منابع طبیعی، محیط زیست و آثار باستانی کردستان

یکی دیگر از سیاست‌های رژیم اسلامی و دیگر حکومت‌های شونیست در ایران، غصب و غارت منابع طبیعی، نابودی و غارت آثار فرهنگ ملی و باستانی و آلوده‌نمودن محیط زیست ملل تحت ستم و ملت کرد بوده و هست. جمهوری اسلامی به این لحاظ نیز گوی سبقت را از همگان ربوده است. ما حراست از آثار فرهنگی و باستانی مردم کردستان را بخشی از مبارزه برای رهایی ملی دانسته و با این سیاست رژیم‌های شونیست و جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنیم.

خود را بخشی از جنبش جهانی برای حفظ محیط زیست دانسته و تلاش برای حراست زیست محیطی در کردستان را امر خود می‌دانیم. حضور فعالانه در تشکلهای حفظ محیط زیست باید به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از مبارزات ملی در کردستان نگریسته شود. ارگان‌های تبلیغی کومه‌له باید در بالابردن حساسیت و جلب توجه افکار عمومی به این مهم برنامه‌ریزی مداومی داشته باشند. معرفی جنبش جهانی حفظ محیط زیست و بهره‌گیری از تجارب آنان باید از هم‌اکنون در دستور کار ما قرار گیرد.

آموزش و فرهنگ‌سازی در حفظ محیط زیست را یکی از وظایف حکومت فدرال کردستان می‌دانیم. کردستان که دارای آثار باستانی گرانبها و تاریخی و دیرینه



است طی 30 سال حاکمیت رژیم اسلامی با غارت مداوم و نابودی روبرو بوده است. جمهوری اسلامی با برنامه سیستماتیک در برهم‌زدن و نابودی مراکز باستانی در کردستان از هیچ اقدامی کوتاهی نکرده است. هرچند طی سال‌های اخیر حساسیت و هوشیاری نسبت به حفظ آن رو به افزایش گذاشته و تا حدودی مانع از آن شده است که جمهوری اسلامی همانند گذشته به نابودی آثار باستانی و میراث تاریخی و فرهنگی کردستان پردازد، با این وجود لازم است که در جهت حفظ این میراث گرانبها کوشید و ازهم اکنون اقدامات معینی در دستور قرار گیرد.



بیانه پایانی
کنگره دوازدهم کومه‌له
زحمتکشان کردستان
(کنگره رفرم)



در اوایل تیرماه 1387 و روزهای پایانی ماه ژوئن کنگره دوازدهم کومه‌له (کنگره رفرم) در اردوگاه مرکزی کومه‌له در کردستان عراق و تحت حفاظت امنیتی نیروی پیشمرگ کومه‌له، برگزار شد. کنگره با شرکت نمایندگان منتخب تشکیلات‌های کومه‌له در داخل کردستان (تشکیلات مخفی)، تشکیلات‌های خارج کشور و ارگانهای مرکزی و تشکیلات علنی (تشکیلات پیشمرگ) برگزار شد.

برگزاری کنگره دوازده کومه‌له (کنگره رفرم) دور از انتظار نبود. به تاریخ 15 فروردین ماه کمیسیون تدارک کنگره، با صدور اطلاعیه‌ای ضمن فراخوان اعضا و علاقمندان به سرنوشت این جریان به منظور دخالت و مشارکت فعالانه آنان در مباحث به سازماندهی انتشار "بولتن مباحثات کنگره" پرداخت.. تا قبل از برگزاری کنگره، 6 شماره بولتن و چندین سمینار بحث در تشکیلات علنی در اردوگاههای مستقر در کردستان عراق و سمینارهای اعضا در خارج کشور و همچنین در ارتباط مدام با کادرها و اعضای تشکیلات مخفی، تدارک سیاسی کنگره در ابعادی نسبتا گسترده پیش رفت.. شماره‌های این بولتن تدارک در برخی از شهرهای کردستان تجدید چاپ و در اختیار طیف وسیعی قرار گرفت. می‌توان گفت که بخش مهمی از مسائلی که این کنگره می‌بایست بدان پردازد به صورت مصاحبه با کادرهای رهبری و مقالات گوناگون کادرها، دوستان و اعضا در بولتن مباحثات منعکس گردید.

کنگره 12 (کنگره رفرم) از سوی هیات رئیسه موقت



و با سرود کومه‌له (سرود بانگه‌واز) و یک دقیقه سکوت در گرمی داشت جانباختگان جنبش‌رهای بخش مردم کردستان و مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم، گشوده شد. باید گفت که برگزاری کنگره مصادف بود با بیست و یکمین سال‌یاد بمباران شیمیایی شهر سردشت توسط رژیم بعث عراق در سال 13۶۶ که طی آن صدها قربانی و هزاران مجروح برجای ماند. کنگره با احترام و یاد قربانیان این کشتار با یک دقیقه سکوت در آغاز یکی از جلساتش، به آنان ادای احترام نمود.

ابتدا مسؤل کل برگزاری انتخابات‌های کنگره گزارش انتخابات‌ها را تقدیم کرد. کنگره پس از استماع این گزارش به اتفاق آرا آن را تأیید و صلاحیت تک‌تک نمایندگان و مشروع بودن کنگره را به تصویب رساند. سپس هیات رئیسه رسمیت کنگره را اعلام نمود. بدنبال آن آئین‌نامه پیشنهادی برای روال کار کنگره به بحث و تصمیم‌نمایندگان واگذار شد. پس از بحث کوتاهی آئین‌نامه پیشنهادی به تصویب رسید و هیات رئیسه موقت نیز به عنوان هیات رئیسه دائم و با رای موافق نمایندگان به کار خود ادامه داد.

دستور جلسات کنگره عبارت بودند از: 1_ گزارش کمیته رهبری به کنگره 2_ برنامه سیاسی کومه‌له 3_ اساسنامه کومه‌له 4_ قرار و قطعنامه‌های پیشنهادی 5_ انتخابات کمیته مرکزی

مبحث گزارش کمیته رهبری محورهای بحث متنوعی را در خود می‌گرفت که مستقیماً به کار و پراتیک و استراتژی سیاسی



کومه‌له گره خورده بود. تیتريهای آن عبارت بود از نگاهی به اوضاع کنونی جهان، تحولات خاورمیانه و موقعیت رژیم اسلامی ایران، مسئله کرد در خاورمیانه، بررسی اوضاع سیاسی ایران و کردستان و سرانجام وظایف آتی کومه‌له در پرتو نگاهی انتقادی به گذشته و همچنین یک سال اخیر.

در بحث اوضاع جهانی بر این برهه تأکید شد که در تحولات دهه‌ی پایانی قرن گذشته با فروپاشی بلوک شرق و "سوسیالیسم توتالیترا" و پیروزی غرب در جنگ سرد، سیمای جهان وسیعاً دگرگون شد. این تغییرات بر همه شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دیپلماسی بین‌المللی و کشمکش‌های منطقه‌ای و حتی اوضاع داخلی بسیاری از کشورها نیز اثرات درازمدتی باقی گذاشت. بی‌محابا نظام ناعادلانه کنونی، جاودانه رقم زده شد و تز "پایان تاریخ" از بلندگوهای همه حاکمان ستمکش هم‌چون ارکستری هماهنگ نواخته شد. اما سریعاً آشکار گردید که جهان "یک قطبی" کماکان تضادهای بنیادی را با خود حمل می‌کند و در بطن خود جهان چند قطبی نوینی آفریده است. بحران‌های اقتصادی پی در پی، هشدارهای مکرر نهادهای بین‌المللی در باب وخیم‌تر شدن سطح معیشت میلیاردها انسان، تداوم جنگ، ناامنی، عروج تروریسم و لشکرکشی نظامی و رقابت‌های تسلیحاتی نه‌چندان پوشیده، ناامنی و خطر جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای را هنوز از بین نبرده است.

در خاورمیانه که هم‌چنان کانون بحران‌های مداوم باقی مانده است، سایه جنگ‌های موضعی و منطقه‌ای گسترانیده شده



است. این منطقه که بخش اعظم انرژی جهان را در خود ذخیره دارد، به جای ایجاد رفاه و آبادانی، رشد و ترقی برای اکثریت بزرگ ساکنانش، جز فقر، عقب‌ماندگی و بتداوم حاکمیت رژیم‌های دیکتاتور، چیزی به ارمغان نیاورده است. معضل فلسطین و اسرائیل لاینحل مانده است. بنیادگرایی اسلامی و تروریسم که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در بهمن ۵۷ خیز بزرگی برداشت، خاورمیانه را در ناامنی عمیق‌تر فرو برده است. در کمتر از سه دهه‌ی گذشته چند جنگ منطقه‌ای بزرگ ویرانگر و تبعات آن، خاورمیانه را همواره در آستانه انفجار تازه‌ای قرار داده است. یکی از علل ناامنی و گسترش ترور در خاورمیانه وجود جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی از همان ابتدا با شعار "صدور انقلاب اسلامی" بقا و موجودیت خود را در ایجاد ناامنی در منطقه یافته است. پس از جنگ آمریکا علیه عراق نیز، سیاست‌های نادرست آمریکا در عراق از یکسو و سیاست رژیم ایران که "ما جنگ با آمریکا را به خارج از مرزهای ایران می‌کشانیم" نقش جمهوری اسلامی به روشنی هم مبرهن و هم در مواردی تقویت گردید. اکنون جمهوری اسلامی عامل اصلی و مهمترین تقویت کننده بنیادگرایی اسلامی، پشتیبان تروریسم و ناامنی در خاورمیانه است.

مساله کرد در مهمترین کشورهای خاورمیانه، کماکان لاینحل باقی مانده است. ملت کرد به عنوان بزرگترین ملت بدون دولت، از پس از جنگ جهانی اول و در اثر شکست امپراطوری عثمانی، عملاً در میان کشورهای ایران، ترکیه، عراق و



سوریه تقسیم شد. مردم کرد با شورش، نبرد و قیام و طی مبارزات بزرگ و کوچک برای احقاق حقوق ملی خود جنگیده است.. در کردستان عراق در بهار 1991 و در نتیجه یک موقعیت مساعد منطقه‌ای و بین‌المللی و حرکت و قیام مردمی و نبرد مسلحانه پیشمرگان احزاب سیاسی، برای همیشه نیروی اشغالگر رژیم حاکم از کردستان بیرون راند شد و سپس دولت اقلیم کردستان در سال 1992 ایجاد شد و پارلمان و نهادهای حکومتی اش را مستقر کرد.. با سرنگونی رژیم بعث در بهار 2003 حکومت منطقه‌ای کردستان استقرار بیشتری یافت و نهایتاً اصل فدرالیسم در عراق پذیرفته شد و حکومت محلی تثبیت گردید. این امر در مبارزات ملت کرد برای رهایی گامی به پیش بود. اکنون نیز مسئله کرد به عنوان یک مسئله و معضل واحد در افکار عمومی به رسمیت شناخته می‌شود. مبارزات خلق کرد در بخش‌های آن از طرفیت‌ها و پتانسیل دموکراسی‌خواهی، سکولاریستی و پلورالیستی و پشتیبانی مردمی برخوردارند. در این سه دهه جنبش‌های کردستان یکی از فاکتورهای مدافع گسترش دموکراسی در منطقه بوده‌اند. هماهنگی و همبستگی مبارزاتی میان جنبش‌های کردستان در بخش‌های مختلف با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر بخش، بیش از هر زمانی زمینه واقعی‌تری یافته است. جنبش مردم کرد در خاورمیانه بنا به موقعیت ژئوپلیتیک خود همکاری و همگامی با نیروهای ترقی‌خواه، دمکرات، سکولار و آزادی‌خواه را در دستور کار خود قرار داده است. حفظ و تقویت این جنبه از جنبش مردم کردستان



در شرایطی که این منطقه در آستانه تحولاتی جدید ایستاده است، ضروری است.

در صحنه سیاسی ایران، جمهوری اسلامی را عمیق‌ترین بحران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیپلماتیکی در بر گرفته است. این رژیم بیش از هر زمانی در داخل به رژیم سرکوب مردم، کارگران، زنان، دانش‌جویان و ملت‌ها و روشنفکران تبدیل شده است. جمهوری اسلامی لقب بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران را از آن خود ساخته است. در سطح بین‌المللی نیز به رژیم زن ستیز، ناقض حقوق بشر، عامل اعدام نوجوانان و حامی بنیادگرایی و عامل ناامنی و جنگ در منطقه، شناخته شده است. در حالیکه این رژیم از منبع ثروت نفتی خود را تقویت نموده است، فقر و محرومیت اقتصادی به دلیل الویت‌دادن به دستیابی به سلاح اتمی و پیش‌بردن پروژه تقویت بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، شرایط فوق‌العاده دشواری را بر مردم خود تحمیل کرده است. تورم و گرانی و بیکاری و در نتیجه گسترش ناملایمات اجتماعی و معضلات ویرانگر، عرصه را بر زندگی میلیون‌ها خانواده ایرانی تنگ کرده است.

اما آنچه سیمای ایران کنونی را ترسیم مینماید، دگرگونی روشن در توازن میان حاکمیت و مردم به نفع دومی‌ها و توان آنهاست. اکثریت عظیم مردم توهمی به این رژیم ندارند. این توازن آشکارا به هم خورده است. جنبش کارگری ایران با عروج جنبش نوین سندیکایی و مبارزات استوار کارگران شرکت واحد و نیشکر هفت تپه توان بیشتری به جنبش‌های



اجتماعی در ایران داده است. جنبش و حرکت زنان با وجود سرکوب شدید و با وجود اینکه جسد فعالینش در زندان پس از ساعاتی "کشف" می‌شود و زندانی‌کردن و محکومیت مکرر چهره‌های مبارز زنان در دستور کار مقامات قضایی و امنیتی رژیم قرار داد اما همچنان به جلو گام بر می‌دارد. جنبش ملیت‌های ایران در آذربایجان، کردستان و خوزستان و غیره جهشی به خود دیده‌اند. جنبش دانشجویی از تأثیر نفوذ اصلاح طلبان دولتی رها شده و طی دوره سرکوب احمدی‌نژاد بیش از گذشته ظرفیت و پتانسل مبارزاتی‌اش را نشان داده است. حضور جنبش‌های اجتماعی و هماهنگی میان آنان و حمایت و دفاع از چهره‌های این جنبش‌ها، پدیده‌های نوین در صحنه سیاسی ایران هستند.

ماجرای‌های نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه و تشدید سرکوب در داخل "راه حل" رژیم برای نجات از موقعیت دشواری است که در آن گرفتار آمده است. اصرار رژیم بر تداوم پروژه هسته‌ای عامل اصلی ناامنی و جنگ و کشاندن نیروهای نظامی و لشکرکشی به منطقه خاورمیانه و گسترش سایه جنگ بر ایران است. "جمهوری اسلامی اتمی" اساساً علیه مردم رنج‌دیده و جنبش‌های اجتماعی خواهد بود. جمهوری اسلامی در پروژه هسته‌ای اساساً به معامله بر سر موجودیت خود اصرار دارد. کومه‌له به عنوان یک پرنسیپ اعلام می‌دارد که مخالف لشکرکشی نظامی و تحمیل یک جنگ ویرانگر بر مردم ایران است، اما جمهوری اسلامی را



مسئول اصلی این ناامنی و هرجنگ احتمالی می‌داند. جمهوری اسلامی تنها خطری داخلی علیه یک جامعه 70 میلیونی نیست، بلکه خطری منطقه‌ای است که سه دهه است با تهدید دیگران در منطقه موقعیت خود را حفظ کرده است. کومه‌له از راه حل‌های دیپلماتیک برای حل بحران اتمی دفاع می‌کند و در عین حال جامعه جهانی را فرا می‌خواند که برای معامله با رژیم اسلامی، به پایمال کردن وسیع حقوق بشر، سرکوب جنبش‌های مردمی، مدنی و اجتماعی امکان ندهند. دفاع از جنبش‌های اجتماعی و به انزواکشانیدن بیشتر این رژیم، مساعدترین راه برای عقب‌نشینی به جمهوری اسلامی خواهد بود.

کومه‌له در صحنه سیاسی ایران فعالانه ایفای نقش خواهد کرد. تقویت جنبش‌های اجتماعی، پیوند با نیروهای ترقی‌خواه، سوسیالیست و دمکرات و تلاش برای ایجاد یک جبهه دمکراسی خواهی، محور سیاست ما در صحنه سیاسی ایران خواهد بود. بر بستر این شرایط و اعتقاد به اصول دمکراسی کنگره تأکید نمود کومه‌له به شرطی وارد هراتتلاف اینچنینی خواهد شد که حق ملت کرد به روشنی و دمکراتیک اعلام شده باشد.

در مبحث بررسی اوضاع سیاسی کردستان ایران، تأکید شد که تداوم اشغالگری جمهوری اسلامی و سرکوب بی‌بند و بار نتوانسته است اراده مردم و جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد را سست کند. آنچه می‌بینیم گسترش جغرافیای مبارزه ملی مردمی و آزادی‌خواهی در کردستان است. رشد خودآگاهی ملی و کسب پتانسیل‌های نوین مبارزاتی و مردمی و



عدالتخواهانه در جنبش کردستان غیر قابل انکار است.. در عین حال با تحولات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در کردستان، این جامعه بیش از گذشته ظرفیت های نوینی برای حرکت جنبش های اجتماعی و مردمی کسب کرده است. مبارزات کارگران، زنان، پدیده نوین جنبش روشنفکری و دانشجویی کردستان، تشکیل نهادهای دمکراتیک و خودجوش مردمی در اغلب شهرها، به کردستان و جنبش ملی و دمکراتیک آن جنبه‌های به مراتب مدرن‌تر، مترقی‌تر، دمکراتیک‌تر و مردمی‌تری را داده است.

سازماندهی و رهبری جنبش ملی و دمکراتیک مردم کردستان، تقویت هم‌کاری میان احزاب کردستانی، ایجاد ائتلافهای مبارزاتی میان احزاب تا تشکیل یک جبهه کردستانی وسیع، گام برداشتن به سوی جنبش‌های اجتماعی و تشکلهای مدنی و برقراری پیوندهای تعریف شده و مبارزاتی با آنان، دخالت آنان در تصمیم گیری‌های سیاسی مربوط به مردم کردستان، تقویت تشکیلات‌های مخفی و بالابردن ظرفیت‌ها و توان دخالت و حضور آنان در حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی، تفویض اختیارات برای اداره امور خودشان، تلاش برای ایجاد همکاری وسیع و وحدت مجدد صفوف کومه‌له و بازتعریفی از وظایف یک جریان چپ، سوسیالیستی و کردستانی، محور سیاست‌ها و اولویتهای ما را تشکیل می‌دهد. گام برداشتن به سوی جنبش‌های مردمی و اجتماعی، تقویت و گسترش تشکیلات مخفی، برقراری مناسبات و پیوندهای عمیق با همه تشکلهای و نهادهای مردمی، جوهر سیاست و جهت‌گیری‌های کومه‌له را در بر می‌گیرد. پیوند



با بخش‌های دیگر جنبش کردستان و احزاب سیاسی‌شان، تلاش برای تقویت دستاوردهای مردم کردستان در هر بخش آن و عدم دخالت مستقیم در امور داخلی آنها ضمن حفظ موضع انتقادی، بالابردن سطح روابط دیپلماتیک در عرصه جهانی و تحکیم دوستی با جریان‌های دمکرات، ترقیخواه و سوسیالیست و حضور فعالانه کومه‌له در این عرصه، از اهم وظایف تشکیلات‌های کومه‌له خواهند بود.

پس از استماع گزارش کمیته رهبری، کنگره به بحث پیرامون این گزارش پرداخت و با بحث حاضرین و اظهار ملاحظیات و پیشنهاداتشان، گزارش کمیته رهبری کامل‌تر گردید. نهایتاً کنگره قریب به اتفاق آرا این گزارش را تایید کرد.

مبحث دیگر کنگره "برنامه سیاسی کومه‌له" بود که متن اولیه و پیشنهادی آن در روز اول میان نمایندگان، توزیع شده بود. این پیش نویس مباحثات گرم سیاسی، فکری و استراتژیکی را دامن زد. کنگره در این مبحث شاهد بحث و جدل گرم، رفیقانه و صمیمانه‌ای بود که بلوغ فکری و سیاسی و تجربه چند دهه کار و مبارزه را در خود منعکس می‌کرد. در این برنامه خط مشی سیاسی ما در رابطه با همه مسائل اجتماعی و امروزی جامعه کردستان به روشنی ترسیم شده است. هم بر خصلت عدالت‌خواهانه و سوسیالیستی کومه‌له در تباین با دمکراسی و پلورالیسم تأکید شده است. هم تصریح شده است که کومه‌له یک حزب کردستانی و مبارز راه‌رهای مردم کردستان و به تبع آن حزب‌رهای ملی این مردم است. پس از مباحثات برنامه



سیاسی در کنگره به تصویب رسید و برای تکمیل و تدقیق و اصلاحات لازم یک کمیسیون منتخب در کنگره مأمور گردید تا آن را انتشار دهد.

در مبحث "اساسنامه" نیز مباحث کنگره در خور توجه و پردیالوگ و بحث بود. متن اولیه اساسنامه نیز چند هفته پیش‌تر توزیع شده و در چندین سمینار به بحث گذاشته شده بود. به همین دلیل در مباحثات مربوط به این دستور کار کنگره، پیشنهادات و اصلاحات به صورت کتبی تقدیم میشد. همگان بر اساسنامه‌ای دمکراتیک مربوط به حزبی مبارزه‌جو و منضبط تأکید مینهادند و در راستای تغییرات مندرج در اساسنامه به تکمیل آن میپرداختند. در این اساسنامه به صورت واضحی بر افزایش اختیارات تشکیلات‌های محلی تأکید شده است. به خصوص دست تشکیلات‌های داخل کردستان برای اداره امور خود باز شده و مکانیسم‌های دمکراتیک برای فشرده‌تر نمودن رابطه رهبری و بدنه، مشارکت بیشتر اعضا و کادرها در سرنوشت سیاسی‌شان، برای کنترل و حسابرسی و تثبیت نهادها و مؤسسات پایدار حزبی، تعریف شده‌اند. اساسنامه نیز اتفاق آرای نمایندگان را از آن خود کرد و در این دستور نیز به کمیسیون برنامه اختیار داده شد تا اصلاحات نهایی را در آن بگنجانند و آنرا انتشار دهد...

دستور جلسه دیگر کنگره قرارهای پیشنهادی بود که مجموعه‌ای پیشنهاد و قرار از سوی نمایندگان در عرصه‌های گوناگون به کنگره ارائه و به تصویب رسیدند که در سند مصوبات



کنگره چاپ و پخش می‌گردند.

مبحث پایانی کنگره، انتخابات کمیته مرکزی بود. در این مبحث کنگره بر ضرورت وجود یک رهبری وسیع، جوان‌گرا، متعهد به مصوبات کنگره، مبارزه‌جو و ملیت‌اند و دارای پیوندهای عمیق سیاسی و مبارزاتی با مردم و تشکیلات تاکید داشت. در این مبحث ضمن بررسی انتقادی کار رهبری کومه‌له در گذشته، انتظارات مردم و جنبش کردستان از چنین رهبری به روشنی بیان گردید.

نهایتاً کنگره با اصرار بر یک رهبری وسیع و با حضور کادرهای تشکیلات‌های مخفی، تشکیلات پیشمرگ و تشکیلات خارج کشور، انتخاباتی دمکراتیک را سازمان و پیش برد. آمادگی شمار قابل توجهی برای کار در رهبری کومه‌له، آمادگی شماری از کادرهای جوان بر حضور در دایره این رهبری، انتخابات کمیته مرکزی را نیز به تلاشی مجدانه برای وحدت عمومی کومه‌له تبدیل کرد. پروسه نه چندان طولانی انتخابات، انسجام رای‌گیری و نتایج آن نشان داد که مباحث چند روزه کنگره وحدت نظر و عمل لازم و ضروری را برای کومه‌له که در شرایط حساس کنونی به راستی حیاتی است، تامین کرده است. در میان اعضا و کادرهای تشکیلات مخفی تعدادی به عنوان عضو اصلی و عضو جانشین کمیته مرکزی در یک پروسه خاص و با حفظ ملاحظه امنیتی انتخاب شدند. این کنگره که روح رفرم و نقد پویا از گذشته و کاستی‌ها بر آن حاکم بود در فضایی پربحث و دیالوگ و جدل‌های



سیاسی و نظری گرم و دمکراتیک و با جهت گیری پیوندهای سیاسی و مبارزاتی عمیق‌تر به توده‌های مردم و جنبش‌های اجتماعی و بالابردن ظرفیت‌های مبارزه جویانه در رهبری و در کل ساختار حزبی به کار خود پایان داد. و رفقای بخش‌های گوناگون و در میان تعهدات مبارزاتی مشترک به محل کار و زندگی شان برگشتند.

کنگره پس از ۵ روز کار فشرده و جلسات جانبی، عصر روز شنبه 1۵ تیرماه 1387 در جلسه اختتامیه با حضور شماری از دوستان، پیشمرگان و هواداران کومه‌له به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی کومه‌له زحمتکشان کردستان
18 تیرماه 1387 _ 8 ژوئیه 2008



